

درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن

محمد خامه گر

۱. مدخل

یکی از دلایلی که می تواند پشتوانه این باور باشد که «قرآن در همه اعصار پاسخگوی نیازهای بشری است و می تواند جایگاه مؤثر خود را در جامعه انسانی حفظ نماید»، تفسیرپذیری بی نهایت آن است. قرآن کتاب محکمی است که چینش و گزینش حروف، کلمات، عبارتها، آهنگ و معانی آن به اراده خداوند حکیم و آگاه انجام پذیرفته و در جای جای آن نکته های نهفته، بسیار است.

یکی از ابعاد شگفت انگیز قرآن کریم «تناسب آیات آن با یکدیگر است» هر خواننده متفکری با قراءت قرآن و دقت در آیات یک سوره - چه کوچک و چه بزرگ - به نظم و ارتباط شگفت انگیز آن پی می برد.

نظریه تناسب آیات هر سوره همچون سایر مباحث قرآنی با مخالفتها و موافقتهای بسیاری روبرو شده و جنجالهای فراوانی را برانگیخته است؛ آن چنان که برخی مقتضای اعجاز قرآن را از هم گسیختگی آیات آن دانسته ۱ و برخی وحدت و یکپارچگی منطقی و ادبی سوره های قرآن کریم را معجزه همه معجزه های دیگر ۲ شمرده اند.

آنچه در این مجال مورد نظر است چیزی فراتر از تناسب و ارتباط آیات است و آن وحدت غرض است. «وحدت هدف سوره» به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش مهم است که: آیا مجموع آیات سامان یافته در یک سوره، هدف خاص و معینی را دنبال می کند و یا هر سوره مشتمل بر آیاتی است که هر چند در بین برخی از آنها تناسب وجود دارد؛ اما در مجموع درسهای پراکنده ای را تشکیل می دهند که چه بسا تناسب شایان توجهی میان آنها نباشد؟

اگر هر سوره دارای غرض واحدی است، ارتباط آیاتی که مضامین گوناگونی دارد چگونه است؟ مثلاً اگر سوره بقره یک غرض محوری و اصلی داشته باشد؛ مطالبی همچون تقسیم انسانها به سه گروه، جریان حضرت آدم، داستان بنی اسرائیل و احکام شرعی مطرح شده در سوره و سایر مباحثی که هر یک فضای خاصی دارد چگونه با یک هدف واحد مرتبط خواهد بود! آیا جمع میان این امور پراکنده، کشف یک واقعیت است یا تکلفی بی حاصل!

اگر نظریه «وحدت غرض سوره ها» به بار نشیند و سیمای آن از پس زنگار شبهات رخ نماید، آثار و برکات آن در همه مباحث قرآنی اعم از علوم قرآنی و کتب تفسیری آشکار خواهد شد.

از دیرباز هر محققى که از دریچه تناسب آیات به سوره های قرآن نگریسته و ارتباط آنها را در مجموع سوره درک کرده است با شور و شغف بسیاری از اهمیت والای این علم سخن گفته است. ابن عربی در کتاب سراج المریدین می نویسد:

«ارتباط آیات قرآن با یکدیگر به حدی است که همچون یک کلمه، معانی آن منسجم و مبانی آن منتظم، و علم بسیار ارزنده ای است که خداوند به روی ما راهی بدان گشود، چون برای آن اهلی نیافتیم ناگزیر، بر آن مهر زده و بین خود و خدا قرار داده و به وی برگردانیم.»^۳

از متأخرین نیز علامه طباطبایی بر این نکته اصرار دارد که هر سوره تنها مجموعه ای از آیات پراکنده و بی ارتباط نیست، بلکه وحدتی فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. ۴ ایشان در مقدمه هر سوره، فشرده ای از مطالب گسترده آن را آورده و اهداف و غرض اصلی سوره را بر شمرده است و بسیاری از برداشتهای تفسیری خود را بر پایه غرض اصلی سوره بنا کرده است.

در آغاز قرن اخیر نیز شیخ محمد عبده صاحب تفسیر «المنار» همین نظریه را دنبال و مسأله «الوحدۃ الموضوعیۃ للسور» را مطرح کرده و اصرار دارد که فهم هدف هر سوره کمک شایانی است به مفسر، تا به طور دقیق، به معانی آیات هر سوره نزدیک شود. شاگرد وی رشیدرضا در تفسیر المنار، این نظر استاد را به خوبی توضیح داده است. ۵ دکتر عبدالله محمود شحاته که کتاب «اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم» را به منظور تبیین هدف هر سوره تألیف کرده است، با پافشاری بر اهمیت این روش در تفسیر قرآن بر ضرورت و ارزش آن تأکید می‌کند. خلاصه آن که گر چه پیشینیان به اهمیت و ارزش تناسب و ارتباط آیات پی برده بودند، اما قرآن پژوهان متأخر ضمن تأکید بر روابط آیات، آن را از منظر جدیدی نگریسته و اعلام کرده اند که هر سوره دارای محور و غرض واحدی است که در نشان دادن به هم پیوستگی آیات نقش بسزایی دارد، و اولین وظیفه هر مفسر پیش از ورود به تفسیر آیات، به دست آوردن و کشف روح حاکم بر سوره هاست، تا در پرتو قرآن بتواند به مقاصد و جزئیات سوره دست یابد.

۲. مفهوم «وحدت غرض سوره ها»

نظریه «وحدت غرض آیات سوره های قرآن» از مباحثی است که در سالهای اخیر مورد توجه خاص برخی قرآن پژوهان و علاقه مندان به معارف اسلامی قرار گرفته است؛ اما از آنجا که چارچوب و مرزهای آن به درستی تبیین نشده مخالفت‌های بسیاری را برانگیخته است. از سوی دیگر موافقان و طرفداران وحدت غرض سوره ها نیز هر کدام یکی از ابعاد این فرضیه را در نظر گرفته و به نفی و اثبات جوانب گوناگون آن پرداخته اند. بنابراین تبیین معنای دقیق «وحدت غرض سوره ها» به عنوان یکی از مقدمات تصویری این نظریه باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

قرآن پژوهان و مفسران متأخر به این نکته پی برده اند که هر سوره دارای هدف و پیامی جامع است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. برخی از آنان از این حدّ جامع به عنوان «جان و روح سوره» یاد کرده اند که در کالبد هر سوره جریان دارد و بر مبانی، احکام، توجیهاات و اسلوب آن سلطه و اشراف دارد. ۶

دکتر عبدالله محمود شحاته می‌نویسد:

«وحدت غرض سوره های قرآن کریم به این معنی است که باید پیام سوره ها را اساس فهم آیات آن سوره تلقی کرد؛ از این رو لازم است غرض سوره به عنوان محور و مدار فهم آیاتی مدّ نظر باشد که پیرامون همان غرض نازل شده اند.» ۷

از عبارت یادشده می‌توان نتیجه گرفت که از نظر دکتر شحاته، وحدت غرض سوره یعنی؛ کشف وحدت جامع و حاکم بر هر سوره که مفسر در پرتو آن می‌تواند به مقاصد و محتوای سوره دست یابد.

سید قطب برای ترسیم وحدت جامع و روح کلی هر سوره از تعبیر دقیق تری استفاده کرده است، او می نویسد:

«از جمله هماهنگی های هنری در قرآن، تسلسل معنوی موجود بین اغراض و سیاق آیات و تناسب آنها در امر انتقال از غرضی به غرض دیگر است.»^۸

از نظر سید قطب، هر سوره دارای یک هدف اصلی است و محتوای سوره با محورها و مقاصد فرعی قابل تفکیک است و هر دسته از آیات به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند ذیل یک محور فرعی قرار می گیرند. این محورها در یک نکته اصلی و اساسی که هدف و غرض اصلی سوره را تشکیل می دهد مشترکند. بنابر این لازمه طبیعی اعتقاد به وحدت غرض سوره ها این است که به ارتباط سامان مند و منطقی آیات با یکدیگر معتقد باشیم؛ به گونه ای که بتوان در یک نمودار درختی همه آیات را از طریق محورها و عنوانهای فرعی به یک عنوان و غرض اصلی اتصال داد.

قرآن پژوهان و مفسرانی که به این روش در تفسیر قرآن و فهم مقاصد آن گرایش دارند در کتابهای خود تلاش کرده اند بخشی از قرآن یا همه آن را از این نگرش به نمودار کشند. آنان برای هر سوره مقدمه، مقاصد و خاتمه در نظر گرفته و سعی کرده اند محتوای هر سوره و آیات به ظاهر پراکنده را در این چهارچوب قرار دهند.

از این جمله می توان به تلاشهای سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و سعید حوّی در «الأساس فی التفسیر»، دکتر سید محمدباقر حجتی و دکتر بی آزار شیرازی در «تفسیر کاشف»، محمد رشید رضا در «المنار» و دکتر عبدالله محمود شحاته در کتاب «اهداف و مقاصد سوره ها» اشاره کرد.

محمد محمد المدنی نیز در کتاب «المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء» نمودار محتوایی سوره نساء را ترسیم کرده است. استاد محمدهادی معرفت همین روش را درباره سوره حمد و بقره در کتاب گرانقدر «التمهید» به کار برده است.

همه قرآن پژوهان و مفسرانی که به وحدت غرض سوره معتقدند بر این نکته پای می فشارند که چنین وحدتی نه تنها در سوره های کوچک یا متوسط قرآن، بلکه در سوره های بزرگ و حتی سوره بقره نیز حاکم است. سید قطب به صراحت اعلام می کند که این شیوه همگانی تمامی سوره های قرآن است و سوره های بلندی همچون سوره بقره از این قاعده مستثنی نخواهند بود.^۹

باید افزود که منظور از وحدت غرض سوره ها این نیست که هر غرض فقط در یک سوره مطرح شده است و سوره های دیگر درباره آن هیچ سخنی ندارند، و این گونه نیست که هر فصل مشتمل بر مباحثی است که سایر فصول از آن خالی است. خلاصه آن که نمی توانیم سوره های قرآن را به مثابه فصول مختلف قرآن به حساب آوریم.

به عبارت دیگر، وحدت غرض سوره ها تنها بر این نکته تأکید دارد که آیات به ظاهر پراکنده هر سوره یک هدف مشخص را دنبال می کنند که در پرتو آن از نظمی معجزه آسا و ارتباط سازوار و منطقی برخوردار می شوند. اما اگر سوره ملک درباره ربوبیت الهی سخن می گوید و این غرض محور اصلی آن را تشکیل می دهد هرگز به این معنی نیست که بحث ربوبیت الهی در هیچ سوره دیگری مطرح نشده و همه آیات آن در این سوره جمع شده است. کسی که کمترین آشنایی با قرآن کریم و اسلوب آن داشته باشد می داند که داستان حضرت موسی (ع) یا جریان حضرت آدم(ع) بارها در قرآن

کریم تکرار شده است، ولی در هر سوره به تناسب غرض و محور اصلی سوره از یک بعد بدان پرداخته شده است.

آنچه تاکنون از قدما و متأخرین نقل شد به خوبی اهمیت و جایگاه نگرش «جامع گرایانه» را به سوره های قرآن در فهم مقاصد و پیامهای قرآن آشکار می سازد، اما باید بر این مجموعه، فوائد، کاربردها و دستاوردهای علمی و عملی بررسی موضوعی سوره را نیز افزود تا اهمیت دوچندان این روش در عصر کنونی آشکار گردد و زمینه استقبال عمومی از این سبک جدید تفسیری فراهم آید.

۳. پیامدها و کارکردهای کشف اهداف سوره ها

توجه به ارتباط آیات و مجموعه نگرسی در تفسیر قرآن، فوائد و نتایج ارزنده ای را در بردارد و می تواند افق جدیدی در درک و دریافت معانی قرآن و جلوه های تازه ای از اعجاز آن را به نمایش گذارد و بسیاری از شبهات را پاسخ گفته دیگری در مباحث علوم قرآنی بگشاید. مهم ترین پیامدها و کارکردهای بررسی جامع گرایانه سوره های قرآن عبارتند از:

یک. مقابله با شبهه افکنی های خاورشناسان

شماری از خاورشناسان که در زمینه های علوم قرآنی تحقیقاتی انجام داده اما با دیدی سطحی و ساده اندیشانه درباره قرآن کریم به داوری نشسته اند، پراکندگی آیات سوره ها را یکی از کاستی های قرآن بر شمرده اند. آنان با دیدن نشانه هایی چون بیگانگی سبک بیان قرآن با معیارهای غربی و با فرض دخیل بودن صحابه در نظم و ترتیب آیات و سوره های قرآن به این نتیجه رسیده اند که محتوای قرآن از هم گسیخته و بدون ارتباط منطقی است. «ریچارد بل» یکی از قرآن پژوهان اروپایی در مقدمه ترجمه معتبری که از قرآن به انگلیسی ارائه کرده می نویسد:

«یکی از ویژگیهای اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است و به ندرت می توان در طول

بخش عمده ای از یک سوره اتساق و انسجام معنایی دید.»^{۱۰}

«آرتور جان آبربی» نیز در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن می نویسد:

«قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی بسی به دور است... خواننده قرآن بویژه اگر ناچار باشد به یک ترجمه اکتفا کند هر چند که آن ترجمه از نظر زبان شناختی دقیق باشد، بی شک از حالت ظاهراً بی نظم خیلی از سوره ها حیرت زده و دلسرد می شود.»^{۱۱}

گروه دیگری از مستشرقان که گسیختگی و عدم تناسب آیات را برای فهم صحیح مفاهیم قرآنی زیان آور دانسته اند، پیشنهادهایی برای جابه جایی آیات داده و الهی بودن و اعجاز قرآن را مورد تردید قرار داده اند.^{۱۲}

گلدزیهر، مستشرق مجارستانی پا را از این نیز فراتر گذاشته و با اشاره به مشکلاتی که بی نظمی آیات قرآن پدید آورده است، پیشنهاد «رودلف گیبر» را مطرح نموده و بر تنظیم قرآن به سبک جدید تأکید کرده است.^{۱۳}

خلاصه آن که تمامی خاورشناسانی که تحقیقاتی درباره اسلوب قرآن داشته و آن را به ثبت رسانده اند بر پراکندگی و پریشانی آیات قرآن تأکید کرده و گفته اند محتوای قرآن با سبکی پریشان و گسیخته و بیگانه از یکدیگر فراهم آمده است.

برخی از خاورشناسان در صدد توجیه سبک گسیخته قرآن برآمده و گفته اند تنوع و پراکندگی مطالب باعث کاهش ملال خاطر و مانع پدید آمدن حالت دلزدگی می گردد. و یا به دلداری مسلمین پرداخته و گفته اند وحدت ادبی سوره های قرآن و نظم آهنگین آن، نقص ناهمبستگی و بی ارتباط بودن آیات را جبران می کند، ۱۴ اما این توجیهاش مشکلی را حل نمی کند، بلکه تأکیدهای فراوان آنها بر گسیختگی و بی نظمی آیات قرآن، به خواننده ناآگاه این نکته را گوشزد می کند که قرآن از دستبردهای بشری در امان نمانده است و افرادی که متصدی جمع آوری قرآن بوده اند با جابه جایی های که در ترتیب آیات، به عمل آورده اند تسلسل و ربط موضوعات طرح شده را بر هم زده و در نهایت آن را به صورت مجموعه ای از مطالب گوناگون و بی ارتباط درآورده اند.

از آنجا که نتایج تحقیقات مستشرقان مهم ترین منبع آشنایی محققان غربی با اسلام و قرآن است و سخنان آنان تأثیر زیادی در شکل گیری نحوه نگرش مردم مغرب زمین نسبت به معارف اسلامی دارد، ضرورت بررسی تناسب آیات و پیوستگی آنها در عصر حاضر اهمیت دو چندان می یابد. در صورتی که ارتباط سامان مند و پیوستگی شگفت انگیز آیات هر سوره با یک هدف به درستی تبیین گردد، همه این یافته ها «هباء منثور» شده و چهره منسجم و هماهنگ آیات قرآن آشکار می گردد.

دو. آشنایی سریع و آسان با مفاهیم قرآن

تهیه تفسیری بر اساس ساختار سوره ها می تواند بستر مناسبی برای آشنا نمودن نسل جوان با مفاهیم قرآنی باشد. با کمک این طرح می توان مفاهیم اساسی و کلیدی همه سوره را به صورت نمودار درختی در آورد و طی ۴۰ الی ۵۰ جلسه مفاهیم قرآن را به طور کامل به علاقه مندان آموزش داد.

گفتنی است که چنین تفسیری از انعطاف پذیری خاصی برخوردار است، به گونه ای که هم برای مجامع دانشگاهی قابل استفاده است و هم برای سطوح پایین تر. در هر سوره پس از تعیین غرض اصلی سوره، مفاهیم آن در محورهای اصلی و فرعی و سرانجام زیر مجموعه های جزئی در دو تا پنج مرحله مطرح می شود. طبیعی است در چنین شرایطی با توجه به مقتضیات سنی و محدودیت های زمانی می توان یک یا چند مرحله را در برنامه درسی گنجانند و از سایر مطالب قرآنی صرف نظر کرد. با اجرای این طرح نه تنها هر مسلمانی با مفاهیم قرآنی آشنا می شود، بلکه با ادراک ارتباط آیات به ظاهر پراکنده، به عمق معنای آن نیز پی برده و از طریق سازماندهی این مفاهیم در ذهن، به آسانی آنها را درک و حفظ می کند. بدین سان حفظ مفاهیم قرآن نیز همچون حفظ الفاظ آن، آسان و عمومی شود و گروه کثیری از جوانان به عنوان حافظان مفاهیم قرآن شناخته شوند.

سه. غرض سوره، معیاری برای حل اختلافات تفسیری

اگر بپذیریم که هر سوره دارای غرض واحدی است که مجموع آیات سوره برای تبیین و تشریح آن غرض گرد آمده اند، می توانیم در پرتو آن بسیاری از ابهامات تفسیری و اختلاف نظر مفسران را در فهم آیات حل کنیم. غرض اصلی و محور اساسی در فهم هر آیه همانند تراز و شاخص دقیق عمل می

کند که بر اساس آن می توان هرگونه انحراف تفسیری و خطا در برداشت را تشخیص داد. از طریق غرض اصلی سوره می توان سیاق و روح کلی حاکم بر آن را به دست آورد و از رهگذر آن به تفسیر و تبیین آیات پرداخت.

استدلال به سیاق کلام برای فهم مراد متکلم از روشهای جاری و پذیرفته نزد اهل خرد است که در زندگی عادی و عرفی بشر نیز کاملاً رعایت می شود. بنابراین بسیار طبیعی است که از این روش برای فهم منظور حقیقی آیات شریفه قرآن بهره بریم.

علامه طباطبایی در المیزان از همین روش برای گزینش برخی از نظرات تفسیری خویش سودجسته و بر کارایی روش مزبور صحه گذاشته است. ایشان در تفسیر آیه سوم سوره شوری (کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم) می نویسد:

«مقتضای اینکه گفتیم محور اصلی و غرض این سوره بیان وحی و تعریف حقیقت آن، این است

که کلمه «کذلک» اشاره به شخص وحی باشد؛ یعنی وحی همین سوره به رسول خدا(ص).» ۱۵

پس از این استدلال، با استناد به غرض سوره و سیاق آن، نظر مفسرانی را که گفته اند «کذلک»

اشاره به معارف این سوره است رد می کند.

چهار. آشنایی با روش طرح معارف دینی در قرآن

از آنجا که در بررسی موضوعی سوره ها برای هر سوره یک غرض و محور مشخص تعیین می شود می توان برای ترسیم روش قرآن در موضوعات گوناگون به سوره های مربوطه مراجعه کرد و سرفصلهای هر مبحث و راه ورود و خروج در مباحث را استخراج کرد و آن را به صورت «طرح درس» تنظیم نمود؛ مثلاً اگر بخواهیم طرح درس برای مبحث «ربوبیت الهی» بنویسیم به سوره ملک مراجعه می کنیم. در این سوره برای اینکه فضای روشنی از ربوبیت الهی در ذهن خواننده ایجاد شود و مخاطب به گستردگی ربوبیت الهی در سرتاسر گیتی پی ببرد از روش بسیار جالبی استفاده می کند و با طرح چند پرسش از نعمتهای پراکنده در اطراف انسانها به عنوان نشانه هایی از ربوبیت الهی نام می برد و در سه محور اساسی به طرح این غرض می پردازد که عبارتند از:

۱. مفهوم ربوبیت و دلائل آن؛ ۲. تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسانها؛ ۳.

نشانه های ربوبیت الهی.

طی این سه محور با اشاره به موانع روحی و فکری فهم ربوبیت الهی به تحلیل و بررسی آنها می پردازد، شبهات را پاسخ داده و دلائل را محکم می کند و با در نظر گرفتن اطراف بحث و فرازها و فرودهای حساب شده تمام محاسبات مخالفان را در هم می ریزد و بنیان راسخ ربوبیت الهی را در اندیشه مخاطب بنیاد می نهد. این سوره به سبک بسیار زیبایی با محور قراردادن حالات، پرسشها و چالشهای وجودی انسانها به بررسی «ربوبیت الهی» می پردازد.

مثلاً در بحث از دلائل ربوبیت الهی به خالقیت خداوند اشاره کرده و او را خالق مرگ و زندگی می داند که همه هستی را خلق کرده و هفت آسمان را بنا کرده است. بی درنگ به شبهه ای که در ذهن خواننده خلجان می کند و او را به سؤال از هدف هستی و نظم آن می کشاند پاسخ می دهد و طی آیات ۲ تا ۵، حکیمانه بودن و بی عیب و نقص بودن آفرینش را ترسیم می کند و در پایان با تمثیلی هنرمندانه می گوید: البته شیاطین (جن و انس) از درک اسرار آفرینش و زیبایی و نظم آن عاجزند و

به علت خبث باطنی، به جای آن که زیبایی جهان آنها را جذب کند، به دفع آنها می پردازد. سپس سوره را ادامه داده تا به تدریج اندیشه «ربوبیت تامه الهی» با روح و جان مخاطب درآمیزد.

پنج. فهرست بندی سوره ها

یکی از اقدامات بایسته که برای تسهیل ارتباط نسل جوان با قرآن و مفاهیم آن بایسته به نظر می رسد، تهیه فهرست مطالب برای هر سوره است؛ به گونه ای که خواننده قرآن پیش از مطالعه هر سوره نمایی کلی از مباحث را دریافته هدف و غرض اصلی سوره را درک کند. فهرست مطالب با ارائه اجمالی مباحث، خواننده را به خواندن سوره تشویق کرده و در او انگیزه درک نکات بیشتر را به وجود می آورد. به علاوه وجود فهرستی از مطالب سوره ها در انتهای قرآن کریم، امکان دستیابی به موضوعات و مطالب مورد نیاز پژوهشگران را فراهم آورده و راهنمایی لازم را به آنان ارائه می دهد.

در ترسیم ساختار درونی سوره ها به راحتی می توان به فهرستی منظم و منطقی از مباحث هر سوره دست یافت، زیرا در هر سوره پس از تعیین غرض اصلی سوره، محورهای سوره نیز مشخص شده و هر محور بخشی از آیات را به خود اختصاص می دهد. در این صورت با مرتب کردن محورهای هر سوره می توان فهرستی از مطالب آن را به نمایش گذاشت.

شش. غرض سوره، معیاری برای شناخت اسباب نزول های جعلی

شناخت شأن نزول آیات، نقش مهمی در فهم و درک معانی بسیاری از آیات و حل مشکلات تفسیری دارد و ما را از حکمتی که باعث تشریح حکم شده آگاه می سازد. به همین جهت اولین چیزی که مفسران در تفسیر هر آیه مدّ نظر قرار می دهند، شأن نزول آن است. این اهمیت تا بدان پایه است که واحدی در «اسباب النزول» می گوید «شناخت تفسیر آیات قرآن بدون آگاهی یافتن از چگونگی نزول آنها امکان ندارد» ۱۶.

از سوی دیگر وجود روایات ناسازگار در شأن نزول برخی از آیات به گونه ای است که جمع پذیر نمی باشد و موجب شده است که مفسر بزرگی همچون علامه طباطبایی به اعتبار روایات اسباب النزول خدشه کرده و حتی روایات صحیح السنند در شأن نزول را هم نپذیرد، زیرا صحت سند فقط احتمال کذب رجال سند را از میان برده یا تضعیف می نماید، ولی احتمال دسیسه و یا اعمال نظر همچنان باقی است.

بنابراین تنها راه حلی که می ماند آن است که روایات شأن نزول را به قرآن عرضه کنیم و چنان که در اخبار بسیاری از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) وارد شده است، قرآن را معیار و محک شناخت روایات بدانیم. برای سنجش میزان صحت روایات با دو شیوه می توان به آیات مراجعه کرد؛ نخست اینکه روایت مورد بحث را به آیه مربوطه عرضه کنیم و با ملاحظه مضمون آیه و قراءتی که در اطراف آن موجود است به بررسی و نقادی روایت پردازیم. راه دوم، عرضه نمودن روایت شأن نزول به غرض سوره است. از آنجا که مضمون همه آیات موجود در یک سوره و فضای حاکم بر آنها با غرض سوره متناسب است، بنابراین تنها شأن نزولی را می توان معتبر شمرد که با غرض سوره هماهنگ باشد و در صورتی که شأن نزول های ناهم ساز همگی با غرض سوره متناسب بودند از نشانه ها و دلایل دیگر برای سنجش درستی شأن نزول می توان یاری جست.

هفت. غرض سوره ها و تعیین معنای «بسم الله» در هر سوره

برخی از عرفا و مفسرانی که با دیده خاص عرفانی به حقائق قرآن و ژرفای معارف آن نگریسته اند بر این باورند که لفظ «بسم الله الرحمن الرحيم» گرچه در ابتدای هر سوره تکرار شده است؛ اما این عبارت شریف در هر جا به مقتضای معنای سوره مربوطه، معنی و مفهومی خاص به خود می گیرد. و به همین دلیل، بسم الله هر سوره بخشی از آن است و باید در کتابت و قراءت سوره منظور شود، و شاید علت آن که در نماز، پیش از قراءت بسم الله، باید سوره را در نیت خود مشخص نماییم همین نکته باشد.

امام خمینی (قدس سره) در تفسیر سوره مبارکه توحید، پیرامون معنای بسم الله در هر سوره می نویسد:

«باید دانست که «بسم الله» در هر سوره به حسب مسلک اهل معرفت متعلق است به خود آن سوره، نه به «استعین» یا امثال آن، زیرا که اسم الله تمام مشیت است به حسب مقام ظهوری... و به حسب هر اعتباری در اسم معنای الله فرق می کند، زیرا که مسمای آن اسماء است و به حسب هر سوره ای از سور قرآن شریف که متعلق به بسم الله در لفظ و مظهر آن در معنی است، معنی بسم الله مختلف است.» ۱۷

با پذیرفتن اصل یاد شده، این سؤال مطرح می شود که برای فهمیدن معنای «بسم الله» در هر سوره چه باید کرد، و از چه راهی می توان به سرچشمه جوشان «بسم الله» رسید و از خوان گسترده آن بهره مند شد؟ بدون شک یکی از این روشها تعیین هدف اصلی سوره است؛ با درک غرض هر سوره که نشانه روح کلی حاکم بر آن است، می توان به زوایای معنای بسم الله در آن سوره دست یافت. علامه طباطبایی نیز با تأکید بر وجود نوعی ارتباط و به هم پیوستگی میان اجزاء یک سوره به هماهنگی میان معنای بسم الله و غرض کلی سوره اشاره کرده می نویسد:

«از آنجا که وحدت و یگانگی یک سخن، به واسطه هدف و منظوری است که از آن در نظر گرفته شده، هر یک از سوره ها قاعدتاً منظور و هدف خاصی را دنبال می کند، و بنابراین ذکر بسم الله در طلوع هر سوره ای برای شروع در مقصود خاص آن سوره است.»

آن گاه علامه به رابطه بین غرض سوره حمد و بسم الله آن پرداخته، بسم الله الرحمن الرحيم این سوره را چنین معنی می کند:

«چون غرض نهایی از سوره حمد، به طوری که از آیاتش پیداست، ستایش خدا، اظهار بندگی، پرستش او، و سرانجام درخواست کمک و راهنمایی از اوست... بنابراین، این مقصود مهم باید به نام مقدس او شروع شود؛ یعنی خداوندا به نام تو ستایش و اظهار بندگی می کنیم.» ۱۸

برخی از مفسران نیز با تلاشی پیگیر و دقیقی مثال زدنی کوشیده اند که برای هر بسم الله معنای تازه ای بیابند و از زاویه ای نو بدان بنگرند. از این میان، تفسیر «کشف الاسرار و عدة الابرار» میبدی و «نظم الدرر» بقاعی گوی سبقت را از دیگران ربوده اند.

هشت. وحدت غرض سوره ها و ترجمه «پیوسته» قرآن

یکی از عواملی که مانع گرایش گسترده نسل امروز به درک مفاهیم و معارف قرآنی می شود، ترجمه های نارسا و مبهمی است که از قرآن کریم ارائه می گردد. این ترجمه ها با ترسیم چهره ای نازیبا و گسسته از مفاهیم قرآنی و ایجاد تشویق در ذهن خواننده باعث می شود که خواننده ناآشنا به زبان عربی به تدریج از معارف قرآن فاصله گیرد. به اعتقاد قرآن پژوهان معاصر «بی توجهی اغلب مترجمان و مفسران به نظم و ارتباط و تناسب آیات باعث شده است که ترجمه و تفسیرها - به خصوص ترجمه های تحت اللفظی قرآن - گسسته شوند»^{۱۹} و خواننده با مطالعه آنها از درک منطقی مفاهیم سوره محروم بماند.

اما اگر مترجم تمام تلاش خود را به کار برد تا مطالب قرآن را خوب بفهمد و از نظم و ارتباط موجود، تناسب آیات و موضوعات گوناگون هر سوره را دریابد و هر آیه را در مجموع سوره، بلکه کل قرآن مورد توجه قرار دهد و همبستگی آیات را در ترجمه حفظ کند، می تواند ضمن پاسخگویی به این شبهات، خواننده ترجمه قرآن را نیز از لذت درک معارف و مفاهیم قرآنی بهره مند سازد. بنابراین به نظر می رسد، ترجمه پیوسته وفادارترین ترجمه نسبت به قرآن مجید است؛ زیرا ترجمه ای است که ضمن رعایت شرایط و مبانی علمی برای دستیابی به مفاهیم بیکران قرآن، مطالب هر سوره را به صورت واحدی به هم پیوسته و مجموعه ای از هم ناگسسته ارائه دهد.

برای مثال به ترجمه پیوسته آیات (۷ - ۱) سوره قلم در پرتو غرض اصلی سوره توجه نمایید، غرض اصلی این سوره بیان ناکامی مخالفان پیامبر، بویژه کسانی است که به پیامبر تهمت جنون و گمراهی می زنند؛ و ترجمه سوره چنین است:

«ن (از حروف مقطعه و نشانه اعجاز قرآن و دلیل نبوت پیامبر است) قسم به قلم ها و آنچه (که از حقایق) می نویسند»^۱ (که مخالفان و کسانی که به پیامبر تهمت جنون و گمراهی می زنند دروغ گفته و سرانجام ناکام خواهند ماند). ای (پیامبر) تو به چهار دلیل از تهمت جنون مبرا هستی؛ اول آن که تو از نعمت نبوت برخوردار و به واسطه نعمت نبوتی که از پروردگار به تو داده شده دیوانه و گمراه نیستی»^۲ علاوه بر آن که اجر رسالت همیشه و بدون انقطاع به تو داده خواهد شد»^۳ دلیل دوم اینکه تو دارای اخلاق بسیار پسندیده و عظیمی هستی»^۴ و چنین اخلاق کریمه ای از انسان دیوانه محال است؛ دلیل سوم گواهی تاریخ است. با گذشت زمان به زودی تو و مخالفان می فهمید»^۵ چه کسی دیوانه است»^۶ از همه اینها گذشته کفار صلاحیت و توانایی تشخیص مجنون و گمراه را ندارند و تنها خدای توست که کسی را که از راه او گمراه شده باشد به خوبی می شناسد و او هدایت یافتگان را بهتر از هر کس دیگر می شناسد.»^۷

در ترجمه پیوسته با کمک عبارات تفسیری و در پرتو غرض اصلی سوره بین آیات ارتباط برقرار گشته و خواننده با مطالعه ترجمه آیات به راحتی به مقاصد و مفاهیم سوره ها پی می برد.

چنان که اگر ترجمه پیوسته با فهرست بندی آیات پشتیبانی شود با سهولت و سرعت بیشتری می تواند مقاصد سوره را به خواننده انتقال دهد؛ مثلاً اگر ابتدای آیات یک تا هفت، عبارت «دلایل نفی جنون و گمراهی از پیامبر» نوشته شود خواننده زودتر با آیات مزبور ارتباط برقرار کرده و از راه ترجمه پیوسته با معانی آنها آشنا می شود.

از زمانی که شیخ ابوبکر نیشابوری (م ۳۲۵) بحث تناسب آیات و سوره ها را در محافل علمی زمان خود طرح نمود، تاکنون که بیش از ده قرن از آن می گذرد همیشه مسئله ارتباط و تناسب آیات با مخالفتها و موافقتهای بسیاری روبرو بوده و محبتها و بی مهری های فراوانی را در پیشینه خود ثبت کرده است. شیخ ابوبکر نیشابوری عالمان بغداد را به خاطر اینکه علم تناسب را نمی دانستند عیب می کرد و شیخ عزالدین بن عبدالسلام تلاشهای موافقان علم تناسب را تکلف آمیز و ایجاد ارتباط بین آیات را رکیک و نامربوط می خواند. زمانی بقاعی شرایط را مناسب می یافت و تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» را می نگاشت و روزگاری نیز اوضاع چنان وخیم می شد که ابن عربی چون افراد لایقی برای درک و پذیرش این علم نیافت بر آن مهر زده و با حزن و اندوه فراوان آن را به خدای خود بازگردانید. ۲۰

«نظریه وحدت جامع گرایانه سوره ها» که از منظر جدیدی به روابط و تناسب آیات می نگرد نیز سرنوشت بهتری ندارد، و طرفداران و مخالفان بسیاری دارد که هر یک با دلایلی در صدد اثبات نظر خویش هستند. این نظریه از اوائل قرن اخیر در محافل علمی و قرآنی مطرح شد و در دهه های آخر قرن بیستم به اوج خود رسید و در بیشتر مجامع دانشگاهی کشورهای اسلامی جا باز کرد.

اندیشه کشف هدف اصلی سوره ها با نگارش مقالات و کتب متعدد در مخالفت و موافقت آن به تدریج به شکل کلاسیک و فنی خود نزدیک می شد، اما تاکنون کتابی که به طور کامل همه دلایل طرفین را جمع آوری و نقد کرده باشد تألیف نشده است.

در این فصل برآنیم تا دلایل عقلی، نقلی و ادبی وحدت غرض سوره ها را تا حد امکان بررسی نموده مهم ترین دلائل و انتقادهای مخالفان را به تصویر کشیم تا از رهگذر مقایسه و بررسی دو جانبه نظرات، تصویر روشن تری از مفهوم «وحدت جامع گرایانه سوره ها» و میزان استواری آن به دست آید. اما پیش از هر چیزی باید تکلیف خود را با مسئله توقیفی بودن یا اجتهادی بودن ترتیب آیات روشن سازیم تا نقادی و بررسی دلائل و نظرات گوناگون را بر اساس و پایه ای علمی متکی کرده باشیم.

مدخل: توقیفی بودن ترتیب آیات

یکی از پایه های اساسی نظریه وحدت غرض سوره ها، توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن است. ۲۱ از دیرباز دانشمندان علوم قرآنی بر سر چگونگی پیوند آیات با یکدیگر اختلاف داشته اند که آیا چینش کنونی آنها دستاورد عمل و اجتهاد صحابه است و یا در کار تنظیم آیات تنها دستی از وحی نقش آفرین بوده و حتی اجتهاد و نظر شخصی پیامبر(ص) نیز در این میان جایی نداشته است؟ در صورتی که توقیفی و وحیانی بودن چینش آیات ثابت گردد می توان با استناد به حکیمانه بودن افعال الهی و اقتضای بلاغت و حکمت در سخنگویی، بر وجود هدف جامع در هر سوره استدلال کرد و با تکیه بر این استدلال به دنبال غرض اصلی و محورهای ارتباطی هر سوره به جست و جو پرداخت.

وجود دلایل متعدد عقلی و نقلی و مستندات تاریخی و روایی جای هیچ گونه شکی باقی نمی گذارد که ترتیب آیات کاملاً توقیفی بوده و حتی یک آیه از قرآن نیز بر خلاف مشیت الهی جابه جا نشده است. نظم استوار و ناگسستنی بین آیات از زمان رسول اکرم(ص) تاکنون به طور ثابت و بی تغییر باقی مانده و هیچ بشری را یارای دست اندازی به این حریم الهی نبوده است، زیرا نگاهدار و نگهبان آن خدای خبیر و قادر است که (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (حجر ۹)

اهمیت و عظمت خود قرآن، اهتمام فوق العاده پیامبر به حفظ قرآن از تحریف، اهمیت فراوانی که مسلمانان به قرآن قائل بودند، اجر و ثواب بی پایان قرآن خواندن و نیز... از نظر عقل چنین اقتضا می کند که قرآن از نخستین روز نزولش در عصر رسول خدا جمع آوری و تدوین شده باشد و هر آیه جایگاه خود را از روز نخست یافته باشد.

علاوه در عصر ختم نبوت و انقطاع وحی، تنها تکیه گاه محکم بشریت برای یافتن راه سعادت و هدایت، قرآن است و بی شک بسیاری از پیامها و هدایتگری های قرآن در نظم و ترتیب آیات آن نهفته است و اگر این نظم به غیر خدا مستند گردد، بخشی از معارف قابل استفاده، حجیت خود را از دست می دهد. بالاتر از این دلایل، ده ها آیه قرآن از نزول آن از سوی خداوند و الهی بودن این کتاب سخن گفته است. این آیات حکایت از آن دارد که تنظیم سوره ها همچون الفاظ و معانی آنها از سوی خداوند متعال است، چرا که اساساً نسبت دادن کتابی به صاحب اثر آن گاه درست است که علاوه بر لفظ و معنی ساختار عبارات آن نیز از خود او باشد.

بارزترین و مشهورترین آیات در این زمینه آیات تحدی است. در آیات تحدی هیچ گاه به واژه ها و آیات همآورد طلبی نشده است، بلکه از مخالفان خواسته شده یک سوره یا ده سوره مانند قرآن بیاورند، و برای ساختن چنین سوره ای هر کس (جز خدا) را می خواهند فرا بخوانند «وادعوا من استطعتم من دون الله» و از همه اندیشمندان و سخنوران و شاعران خود یاری بجویند تا شاید بتوانند سوره ای همانند کوچک ترین سوره قرآن تنظیم نمایند. بدیهی است که قوام سوره به واژه ها، حروف و جملات پراکنده و بی ارتباط آن نیست؛ بلکه آنچه این جملات را به هم مرتبط کرده مجموعه ای را پدید می آورد تا نام سوره بر آن اطلاق شود نظم و پیوستگی و ارتباط استوار میان آیات است که به گواهی آیات تحدی از «غیر خدا» ممکن نیست. به ویژه که در آیات تحدی هیچ گاه واژه «مثل» مقید نشده، بلکه با عبارات مطلقى مانند «فلیأتوا بحدیث مثله» همانند طلبی و مبارزطلبی را به همه قلمروهای قرآن کشانده است که بی شک یکی از جنبه های آن ارتباط مطالب و آیات با یکدیگر است. در کنار آیات تحدی، آیات دیگری نیز وجود دارد که به صراحت توانایی ساختن و به وجود آوردن کتاب دیگری همانند قرآن را از همه مخلوقات آسمانی و زمینی و حتی از پیامبر اکرم نفی کرده و سخن کسانی را که می گویند «این قرآن را پیامبر ساخته است» نادرست و تهمت ناروا می خواند و می فرماید: «أم یقولون افتراه بل هو الحق من ربك» (سجده ۳) و در جای دیگر چنین سخنانی را «ظلم و زور» (فرقان ۴) می نامد و سرانجام در آیه «۱۵ سوره یونس» از پیامبر می خواهد که به مشرکان اعلام کند که من «قدرت تغییر این قرآن و آوردن قرآن دیگری را ندارم و هر چه می گویم از برکت وحی الهی است» (یونس ۱۵).

بدین شکل قرآن کریم با عبارات متفاوتی اعلام می کند که نظم اعجازگونه قرآن کریم نه به اجتهاد صحابه و حتی نه بر اساس نظر شخصی پیامبر اکرم (ص)، بلکه با وحی مستقیم الهی سامان یافته است و بر حکمتی عمیق و ارتباطی دقیق استوار است که جز از خداوند حکیم و خبیر از کس دیگری ساخته نیست.

دلایل موافقان وحدت غرض سوره ها

مهم ترین دلایلی که می توان برای اثبات نظریه وحدت غرض سوره اقامه نمود عبارتند از:

۱. آیات قرآن

قرآن بهترین گواه و استوارترین مرجع برای سنجش عقاید و احکام دینی است و همه فرقه های اسلامی - به رغم اختلاف گسترده - بر حجیت قرآن و جایگاه آن در داوری میان عقائد هم باورند. بدیهی است در چنین شرایطی برای شناخت ویژگیها و اسلوب قرآن هیچ دلیلی محکم تر و اطمینان بخش تر از خود قرآن نیست.

گرچه هیچ یک از آیات کریمه قرآن به صراحت درباره وحدت غرض سوره ها و هماهنگی آیات آن سخنی به میان نیاورده است، اما از نشانه های موجود در قرآن و شواهد کلامی و مقامی آنها می توان به چند طریق بر این مهم استدلال نمود.

نخستین دلیل آن که قرآن کریم مجموعه ای از آیات خود را «سوره» نامیده است و این نامگذاری تا زمان نزول قرآن بی سابقه بوده است و در نثر یا شعر هیچ گونه کاربردی نداشته است. معنای لغوی «سور» حصار و دایره محدود کننده می باشد. به همین دلیل دیوار بلند دور شهر را «سور» می نامند و دستبند و حلقه ای را که زینتی و دایره شکلی است «سوار» می خوانند. کلمه سوره در قرآن ۱۰ بار (به صورت مفرد و جمع) به کار رفته است و در همه موارد منظور از آن مجموعه آیاتی است که یک معنای کامل را افاده می کند. کوچک ترین سوره قرآن ۳ آیه و بزرگ ترین آن ۲۸۶ آیه دارد و بنابر تحقیق، جایگاه آیات در سوره ها و تعداد آیات یک سوره همگی توقیفی بوده و به دستور پیامبر و بنابر وحی الهی صورت می گرفته است.

اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا قراردادن تعدادی آیه در یک سوره بدون هیچ حکمت و تناسبی بوده است؟ آیا ممکن است هر چند آیه در یک سوره، هدف جداگانه ای را دنبال کند و این اهداف هیچ گونه تناسب و هماهنگی با یکدیگر نداشته باشند؟ اگر چنین است چرا این آیات در جای دیگر قرار داده نشده اند و یا چرا این دسته های جداگانه هر یک سوره مستقلی را تشکیل نداده اند؟ به راستی چه مشکلی پیش می آمد اگر سوره های کوچک قرآن بیش از این که هست، می بود؟ این نکات ما را به این نتیجه می رساند که حکمتی در چینش آیات هر سوره وجود دارد. علامه طباطبایی درباره علت نام گذاری سوره و حکمت سوره شدن آیات قرآن می نویسد:

«باید توجه داشت که خداوند در قرآن بارها از «سوره» نام برده است؛ مانند 'فأتوا بسورة' مثله 'یوسف' (۱۸) 'سورة أنزلناها' (نور ۱). از این کاربرد استفاده می شود که هر یک از قسمتهای کلام الهی که آن را به صورت قطعه جداگانه ای بیان فرموده است و نام سوره بر آن گذارده است، دارای یک نوع ارتباط و به هم پیوستگی است که میان دو سوره مختلف یا اجزاء آنها وجود ندارد. از آنجا که وحدت و یگانگی سخن به واسطه وحدت هدف و منظوری است که از آن در نظر گرفته شده، هر یک از این سوره ها قاعدتاً منظور و هدف خاصی را دنبال می کند.» ۲۲

این استدلال آن چنان بدیهی است که اگر کسی به درستی آن را تصور کند، بی درنگ آن را تصدیق می کند. علاوه بر آن که شکی نیست که پراکندگی و کنار هم نهادن سخنان نامربوط یک انسان عادی زشت و ناپسند است؛ چه رسد به خداوند سبحان که کلامش در اوج بلاغت و لطافت است. بنابراین به کار رفتن «کلمه سوره» درباره مجموعه ای از آیات نشان می دهد که:

«هر سوره هدفی را دنبال می کند که با پایان یافتن هدف، سوره نیز پایان می یابد و تفاوت شمار آیات هر سوره نیز معلول همین علت است؛ این تفاوت هرگز اتفاقی و بدون سبب معقول انجام نگرفته

است و همین جهت است که وحدت غرض یا وحدت سیاق هر سوره را تشکیل می دهد، یعنی میان آیات هر سوره یک رابطه معنوی و تناسب نزدیک وجود دارد.»^{۲۳}

دومین دلیل قرآنی بر وحدت هدف در سوره های قرآن، توصیفهایی است که این کتاب الهی در آیات قرآن ذکر شده است. برخی از اوصاف و ویژگیهای قرآن به گونه ای است که با وجود گسیختگی در نظام آیات ناسازگارند و یا دست کم مرحله کمالی آن اوصاف به وجود نظم و ارتباط مستحکم آیات وابسته است. از این دست می توان صفاتی مانند: کتاب مبین، نوراً مبیناً، لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه، بصائر للناس، أحسن القصص، بیان للناس،^{۲۴} نام برد که هر یک به گونه ای بر ضرورت نظم درونی و ارتباط آیات یا یکدیگر اشاره دارد، زیرا هدایتگری و نورانیت و روشن بودن و آسانی مفاهیم قرآن با سردرگمی، حیرت و ابهام ناشی از بی ارتباطی آیات سازگار نیست و هدایت گری و روشنایی قرآن نه تنها در تک تک آیات آن، بلکه در ارتباط و هماهنگی مجموع آیات نیز باید دیده شود.

۲. احادیث اهل بیت(ع) و وحدت غرض سوره ها

سیره تفسیری و سنت رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) به عنوان مفسران حقیقی قرآن که وظیفه تبیین و تشریح قرآن را به عهده داشته اند، پس از خود قرآن، مطمئن ترین منبع شناخت قرآن و روشهای فهم و درک معانی آن است. در موارد زیادی از کلام معصومین(ع) شواهدی را می یابیم که حکایت از نگرش جامع گرایانه ائمه(ع) به قرآن دارد. در این روایات از پاره پاره کردن قرآن و پراکندن آیات به سختی نهی شده و با تأکید بر این که قرآن مفسر خود است بر ارتباط و هماهنگی آیات و انسجام درونی آنها به عنوان یک اصل اساسی در فهم قرآن صحنه گذاشته شده است.

از نظر امام علی(ع) قرآن یک واحد به هم پیوسته و یک مفسر حقیقی است. ایشان در تفسیر آیه «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق»(جاثیه ۲۹) فرمودند: «ینطق بعضه ببعض»^{۲۵}؛ یعنی پاره ای از آن به وسیله پاره دیگر سخن می گوید. از این حدیث شریف برداشت می شود که آنچه تنها از یک آیه - با اعمال قواعد مقرر - به دست می آید، در کشف مراد الهی کافی نیست، بلکه باید تمامی آیات متناسب با آن را مورد توجه قرار داد و در آن به تحقیق و اجتهاد پرداخت.^{۲۶} اما اگر بپذیریم که با کنار هم نهادن آیات مشابه که در سراسر قرآن پراکنده است می توان افقهای جدیدی را برای رسیدن به معانی نوگشود، باید پذیرفت که آیات همسایه در افاده مراد به هم وابستگی بیشتری دارند، و چنانچه جدا جدا مورد نظر قرار گیرند از ارائه تمام معانی خود باز می مانند. به عبارت دیگر، آیات قرآن دارای نشانه های کلامی هستند که گاهی در آیه قبل و گاهی در آیه بعد و گاه در فضای حاکم بر کل سوره یافت می شود و بدون توجه به این نشانه ها، مفاد واقعی آیات به دست نمی آید. شاید به همین دلیل بوده است که حضرت علی(ع) شاگردان خود را از قراءت و تفسیر گسسته آیات نهی می کرد و می فرمود: «لاتنثره نثر الرمل»^{۲۷}؛ قرآن را به مانند شنهای پراکنده گسسته نساژ.

کلام دیگری از امام باقر(ع) اهمیت والای توجه به همبستگی و پیوستگی آیات را در تفسیر قرآن به وضوح ترسیم می کند و پیامد ناگوار تفسیر گسسته را هشدار می دهد:

«لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن، إنّ الآیة تكون أولها فی شیء و أوسطها فی

شیء و آخرها فی شیء، و هو کلام متصل ینصرف علی وجوه.»^{۲۸}

چیزی چون تفسیر از عقلهای مردم دور نیست، زیرا ابتدای یک آیه درباره چیزی و وسط آن درباره چیزی دیگر و آخرش درباره موضوع سومی است؛ حال آن که کلامی متصل و مربوط است و به چند وجه باز می گردد.

این حدیث شریف موضوع را دقیق تر مورد توجه قرار داده و یادآوری کرده است که اگر بنا را بر تعمق و تدبیر و ژرفکاوی نگذاریم، ممکن است حتی صدر و ذیل برخی از آیات را نیز گسسته پنداریم؛ حال آن که چنین گسستگی در یک آیه وجود ندارد.

گوناگونی مباحث مطرح شده در یک آیه یا یک سوره هرگز نباید ما را بر آن بدارد که گمان بریم قرآن کریم مجموعه مطالبی است گسسته و نامربوط که به گونه تصادفی کنار هم جمع شده اند، بلکه باید دانست که هرگاه مطالب این گونه گوناگون و متفاوت هستند حتماً پای ارتباطی در میان بوده و مناسبتی باعث شده که چنین حالتی پدید آید؛ زیرا اتصال کلام و پی در پی آمدن جملات و آیات اقتضا می کند که هدف و غرضی این امور به ظاهر پراکنده را به یکدیگر مرتبط نماید. و این همان نکته دقیقی است که حدیث یادشده بر آن پای می فشارد و از گسیخته نگری به آیات پرهیز می دهد.

۳. وحدت غرض؛ مقتضای بلاغت و سخن

هر کلامی که منعقد می گردد و هر شعری که خوانده می شود و هر مقاله و متنی که انشا یا تدوین می شود برای این است که پیامی را به خواننده منتقل کند و تأثیری را در فکر و جان او بر جای نهد. این سخن اگر با عباراتی زیبا و دلنشین و با رعایت اصول فصاحت و بلاغت ادا شود و از سستی و ناموزونی به دور باشد تأثیری دوچندان خواهد داشت. دانشمندان علم بلاغت آن را چنین تعریف کرده اند:

«مجموع فنون بلاغت حاوی اصول و قواعدی است که به سخنور و گوینده یا نویسنده می آموزد که از کدام واژه بهره جوید و از انتخاب چه کلماتی بپرهیزد تا گفتارش فصیح و قابل درک بوده، مخاطب خویش را دچار حیرت و سرگردانی نسازد. سپس می آموزد که همیشه همه مخاطب ها یکسان نیستند و هر مخاطب دارای حالتی خاص است و هر سخن باید در موقعیتی مخصوص به خود القا شود.» ۲۹

یکی از انواع تعقید آن است که متکلم از هر دری سخن گفته بدون آن که بین آنها ارتباط معنی دار و مشخصی وجود داشته باشد. سخنور دانا و نویسنده توانا از مطالب گوناگون همچون آیات، روایات، اشعار، داستان، طنز، استدلال، موعظه و هشدار در جای جای کلام خویش بهره می جوید، اما هرگز عنان کلام را از دست نداده به پراکنده گویی نمی افتد؛ بلکه با منسجم نمودن آنها در پرتو یک هدف مشخص، اندک اندک مخاطب خود را به نتیجه و مقصودی که در نظر دارد می رساند و شاهد سخن را در کام او می نشاند.

اصل انسجام در سخن یکی از بدیهی ترین اصول فصاحت و بلاغت است که هر سخنوری در رعایت آن سعی تمام و توجه وافر دارد. آیا ممکن است این اصل در قرآن کریم که در بلندترین قله فصاحت و اوج آسمان بلاغت قرار گرفته است، رعایت نشده باشد. آیا اگر بگوییم هر سوره قرآن مشتمل بر موضوعات پراکنده و کاملاً نامأنوس است، یا اعجاز قرآن در همین پراکنده گویی هاست، به انکار یک اصل مسلم بلاغی و بلکه فطری انسانی برنخاسته ایم؟!

از همین جا می توان به ناروایی سخن «فرید وجدی» پی برد که ضمن اعتراف به بی نظمی و پراکندگی معنایی آیات، آن را نشانه اعجاز و الهی بودن قرآن دانسته و با انکار این اصل بدیهی عقلایی و بلاغی تصور کرده است تنها از این راه می توان بین کتاب خدا و کتاب بشری تفاوت ایجاد کرد. وی در مقدمه تفسیرش می نویسد:

«این امر مهمی نیست که قرآن اسلوب نگارش بشری را مراعات نکرده باشد؛ زیرا اگر کتاب خدا از نظر ترتیب و تبویب به سان کتب بشری می بود دیگر یک کتاب الهی به شمار نمی آمد، بلکه در ردیف کتب وضعی و بشری قرار می گرفت. بنابراین وجود ترتیب در مباحث متنوع، محدود به کلام بشری است و کلام الهی از این گونه اوصاف منزّه است. همان گونه که دریا بزرگ تر از آن است که در محدوده نهرها خود را محصور نماید.»^{۳۰}

بدیهی است که این گونه توجیه ها دردی را درمان نمی کند و باید از اساس در نگرش یادشده تجدید نظر شود.

دلایل مخالفان وحدت غرض سوره ها

با این که دلایل وجود ارتباط و همبستگی بین آیات یک سوره قانع کننده به نظر می رسد، اما از دیرباز با انکار گروهی از محققان علوم قرآنی مواجه بوده است. علاوه بر این، خاورشناسان نیز بر این نکته پای فشرده اند که «قرآن کریم جز پیامها و نظرات پراکنده و پریشانی که از مطالب متنوع متشکل شده است چیزی دیگر نیست و محتوای قرآن عبارت از مطالبی است که با سبکی پریشان و گسیخته و بیگانه از یکدیگر فراهم آمده است»،^{۳۱} چنانکه «آرتور جان بری» در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن می نویسد:

«قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز انسجام منطقی بسی به دور است.»^{۳۲} از عالمان مسلمان نیز محققانی همچون «محمدبن علی شوکانی» در «فتح القدير» و «علامه عزالدین بن عبدالسلام» در کتاب «مجاز القرآن» و علامه مجلسی در «بحارالانوار» و شهید بهشتی در «روش برداشت از قرآن» و استاد ناصر مکارم شیرازی در «قرآن و آخرین پیامبر» با عبارات مختلف و با استناد به دلایل متفاوتی هماهنگی معنوی آیات یک سوره را نفی کرده و تنها بر هماهنگی قرآن در زمینه محتوا و عدم تعارض بخشهای گوناگون آن با هم تأکید کرده اند.

مهم ترین دلایلی که مخالفان وحدت هدف سوره ها اقامه کرده اند عبارتند از:

الف. نزول تدریجی قرآن، و در مناسبتهای گوناگون

این اشکال رایج ترین اشکالی است که بر ارتباط آیات و وحدت جامع گرایانه سوره ها وارد شده است. در این شبهه با اشاره به نزول تدریجی قرآن و با توجه به اسباب نزول آیات نتیجه می گیرد که اصولاً آیات قرآن بر اساس عدم ارتباط نازل شده اند و گرنه بدون شک قرآن به روش دیگری نازل می شد. شوکانی در تفسیر «فتح القدير» در پاسخ به کسانی که در پی یافتن ارتباطی بین آیات هستند می نویسد:

«بسیاری از مفسران، علمی پرزحمت و بی نتیجه آورده و در دریایی فرو رفته اند که به شنا در آن موظف نشده اند. وقت خود را در فنی از میان برده اند که سودی برای آنها ندارد، بلکه خود را به تفسیر به رأی ناروا دچار کرده اند.

و این بدان سبب است که آنها خواسته اند برای آیات قرآن بر طبق ترتیب فعلی مناسبت ذکر نمایند. از این رو خود را به مشقت انداخته و به بیراهه رفته و مطالبی را بیان کرده اند که انصاف از آنها بیزار می‌جسته و کلام اهل بلاغت از این مطالب منزّه است؛ چه رسد به کلام پروردگار سبحان. شنیدن این مسئله برای کسی که از چگونگی نزول تدریجی قرآن و نزول آن در مناسبت‌های مختلف آگاه است بسیار عجیب است؛ زیرا هیچ عاقلی در این شک نمی‌کند که رویدادهایی که موجب نزول قرآن شده اند به خودی خود با یکدیگر اختلاف دارند؛ بلکه گاهی نقیض هم هستند؛ مانند حرام کردن آنچه حلال بوده است و حلال کردن آنچه حرام بوده است، یا اثبات چیزی در مورد کسی یا کسانی بر خلاف آنچه در گذشته درباره آنها به ثبوت رسیده بود و...

هنگامی که اسباب نزول این گونه با یکدیگر اختلاف و ناهم‌اندی دارند؛ به گونه ای که اجتماع آنها با یکدیگر میسر نیست آیاتی هم که در ارتباط با آنها نازل شده اند به خودی خود با هم اختلاف دارند. پس چگونه شخص خردمند به دنبال مناسبت میان آب و آتش می‌باشد؟... اصولاً جست و جوی مناسبت میان آیاتی که می‌دانیم قطعاً ترتیب آنها در مصحف فعلی مقدم یا مؤخر از ترتیب نزول آنهاست چه معنی خواهد داشت؟ زیرا این نحوه تدوین به ترتیب نزول باز نمی‌گردد، بلکه کاری است که صحابه ای که جمع قرآن را به عهده داشتند به هنگام تدوین آن انجام داده‌اند. «۳۳»

مبنای اصلی این شبهه به اجتهادی بودن نظم آیات قرآن باز می‌گردد. بدیهی است اگر کسی بشری بودن تألیف و نظم قرآن را باور داشته باشد به سختی می‌تواند وجود ارتباط و هماهنگی بین آیات یک سوره را بپذیرد، ولی چنان که گذشت، توقیفی بودن ترتیب آیات با استناد به ده ها دلیل عقلی و نقلی و بر اساس شواهد قرآنی، روایی و تاریخی اثبات شده است و جای هیچ گونه شک و شبهه ای در آن وجود ندارد. بنابراین آنچه «شوکانی» درباره تدوین قرآن گفته است، از پای بست ویران است. بر همین مبنا شیخ ولی الدین ملّوی نیز به این شبهه چنین پاسخ داده است:

«این سخن که گفته می‌شود نباید برای آیات دنبال مناسبت گشت به دلیل این که بر حسب وقایع پراکنده است؛ توهمی بیش نیست. جان کلام این است که قرآن از لحاظ نزول بر حسب وقایع و رویدادهاست، اما از جهت ترتیب و اصل مطابق حکمت بوده، بر وفق لوح محفوظ ترکیب یافته و تمام آیات و سوره های آن توقیفی است، چنان که یکباره به بیت العزه نازل شد.» «۳۴»

با پذیرش توقیفی بودن نظم آیات این پرسش مطرح می‌شود که آیا چینش آیات بدون هیچ گونه ارتباط و تناسبی بوده یا بر اساس حکمت خاصی بوده است؟ آیا کمترین حکمتی که می‌توان در نظم آیات یک سوره تصور کرد، این نیست که همه آنها در یک هدف شریک و سهیم بوده‌اند؟

ب. غرض محوری؛ از ویژگیهای کتابهای بشری و نه قرآن
برخی از اندیشمندان معاصر با تکیه بر جنبه هدایتی قرآن به مخالفت با نظریه وحدت غرض سوره ها برخاسته‌اند، آنان معتقدند که مهم ترین رسالت و ویژگی قرآن هدایتگری آن است و اصولاً قرآن برای هدایت و نشان دادن راه سعادت نازل شده است. «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» (بقره ۲). بنابراین هر چه به قرآن مربوط باشد باید به نحوی به جنبه هدایتی آن باز گردد. اسلوب و سبک و بیان قرآن نیز از این قاعده کلی جدا نیست. از سوی دیگر نظم مطالب کتابی که از هدایت انسانها و سعادت فرد و جامعه بحث می‌کند با نظم کتب عادی بشری فرق دارد؛ در کتب

بشری که به طور معمول، یک رشته خاص مورد بحث قرار می‌گیرد نظمی پیوسته و یکنواخت رعایت می‌شود و کاری به سایر مطالب یا نیازهای دیگر انسانی ندارد. حتی رشته‌های علوم انسانی چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز همین‌گونه هستند، ولی هدایتگر با همه ابعاد وجودی انسان کار دارد. از این رو گاهی در اوج مطالب عقلی به یکباره نرمشی عاطفی نشان می‌دهد تا عواطف نادیده گرفته نشود و گاه در اوج مسائل احساسی بحثی عقلی مطرح می‌شود تا احساسات به افراط کشیده نشود. قاعده خطابات ارشادی یکسره چنین است و با خطابات تعلیمی فرق دارد. و قرآن به سبک خطابات ارشادی نزدیک است، زیرا اهداف آن ارشاد به راه درست است. ۳۵

در نقد این نگرش و بیان باید یادآور شد:

اولاً: آنچه با سبک قرآن و روش منحصر به فرد آن تعارض دارد این است که بگوییم قرآن کریم مانند کتابهای بشری خود را موظف دانسته که در ضمن هر سوره تنها به گفت و گو در یک موضوع مانند توحید یا معاد بپردازد و آن را به طور کامل در آن سوره بررسی کند و دیگر راجع به آن موضوع و ابعاد مختلف آن در سایر سوره‌ها نه بحثی را مطرح کند و نه سخنی به میان آورد و هر موضوعی را به طور جامع و مانع در یک سوره بررسی کند؛ بدون شک چنین تصویری از قرآن نادرست بوده و وحدت غرض سوره‌ها هرگز در صدد آن نیست که چنین اندیشه خطایی را بر قرآن کریم تحمیل کند! ثانیاً: اقتضای خطابات ارشادی و روش هدایتی، پراکنده‌گویی نامنسجم نیست؛ زیرا چنین روشی تنها برای پرکردن اوقات فراغت و سرگرمی مناسب است و چون در نهایت مخاطب را به نتیجه مشخصی نمی‌رساند، تأثیر خاصی را نیز به دنبال نخواهد داشت و اگر گوینده به منظور هدایت و ارشاد سخنی بر زبان رانده باشد به هدف خود نخواهد رسید.

آنچه مناسب خطابات ارشادی است ایجاد تنوع متناسب و منسجم در جهت حفظ شادابی کلام و پراکندن گوهرهای وعظ و نصیحت در لابه لای آن است. خطیبان زبردست و موفق کسانی هستند که در هر جلسه فقط درباره یک موضوع سخن گویند و با مهارت تمام از آیات، روایات، اشعار، سخنان بزرگان، داستانها و حکایات، وعظ و نصیحت و حتی مزاح و طنز در جای جای سخن بهره‌گیرند؛ تا آهسته آهسته و گام به گام شنونده را به مقصود اصلی رهنمون شوند و از هر نکته بهره‌ای هدایتی گیرند و با این سبک هر خواننده و شنونده‌ای به میزان درک و فهم خود از کلام بهره‌ای را دریافت کرده به اهداف مورد نظر رهنمون گردد. البته آن کسی که ارتباط همه سخن را درک کرده و گوارایی همه نکات را به روح عطشناک خود چشانده باشد از این باده سرمست و سیراب گشته و بیشترین فیض و بهره را برده است.

ج. تلاش در جهت ایجاد ارتباط میان آیات یک سوره؛ تلاشی تکلف‌آمیز

از دیگر ایرادهایی که به وحدت غرض سوره‌ها شده، شبهه تکلف‌آمیز بودن است. برخی از دانشمندان و مفسران بر این باورند که اصولاً سبک و اسلوب قرآن به گونه‌ای است که برقراری ارتباط بین آیات آن مشکل، بلکه ناممکن است. از این رو هرگونه تلاشی در این زمینه نوعی تحمیل بر اسلوب قرآن به شمار می‌رود. به همین دلیل کسانی که در این وادی گام نهاده‌اند خود را به زحمت و تکلف بی‌ثمر انداخته‌اند. شیخ عزالدین بن عبدالسلام گفته است:

«مناسبت علم خوبی است، ولی در حسن ارتباط کلام شرط است که در یک امر متحد و یکپارچه ای واقع شود که اول آن به آخرش مربوط باشد؛ بنابراین اگر بر سببهای مختلفی آید ارتباطی نخواهد

بود و هر کس چنین ربطی دهد تکلفی به کار برده که از عهده اش بیرون است، مگر ربطهای ریکی که سخن خوب از چنان ارتباطهایی به دور باشد تا چه رسد به بهترین سخنها؛ زیرا که قرآن در مدت بیست و چند سال، در مورد احکام مختلفی که سببهای گوناگون دارند نازل شد و سخنی که چنین باشد، ربط دادن قسمتهای آن با یکدیگر فراهم نمی آید.» ۳۶

شوکانی در تفسیر فتح القدير نیز - چنان که نقل شد - معتقد است که «علم مناسبت» علمی پرنج و بی نتیجه است که هیچ سودی در پی آن نیست و کسانی که به دنبال یافتن مناسبتهایی در کلام الهی هستند خود را به مشقت انداخته و به بیراهه رفته و مطالبی بر خلاف انصاف گفته اند. وی درباره مناسبت جریان حضرت آدم(ع) و داستان قوم بنی اسرائیل که بلافاصله پس از آن در سوره بقره مطرح شده است، می گوید:

«اصولاً جست و جوی مناسبت از نظر کسانی که اهل فکر و اندیشه هستند تضييع وقت و صرف آن در کاری است که برای انجام دهنده آن و دیگر مردمان سودی در بر ندارد و چنانچه کسی به دنبال مناسبت میان خطبه ها، نامه ها و دیگر سخنان گوینده ای بلیغ باشد و یا در جست و جوی تناسب میان اشعار شاعری باشد که مدح و هجو در آن هست، از نظر مردم به کم خردی و اتلاف وقت متهم می شود، چه رسد به اینکه کسی به دنبال مناسبت در کلام خدا باشد که اهل بلاغت را از آوردن مانند آن عاجز نموده است، و همه می دانند که خداوند قرآن را به عربی بودن توصیف کرده و روشهای عرب را در سخنگوی پیموده است.

یک سخنران عرب در یک سخنرانی مباحث مختلف و گاه ناهمسازی را مطرح می نماید، چه رسد به سخنرانی های مختلف وی در زمانها و مکانهای گوناگون. بنابراین اگر کسی بپرسد چگونه پس از سخن از آدم(ع) در سوره بقره به بحث بنی اسرائیل پرداخته است، می گوئیم چگونه ندارد.» ۳۷

کسانی که یافتن ارتباط و تناسب بین آیات را تکلف پنداشته اند، از آیاتی چند مثال آورده اند که صدر و ذیل آنها با یکدیگر ناهماهنگ و نامنسجم است و به یک هدف بازمی گردد؛ مانند:

۱. آیات ۱۹ - ۱۶ از سوره قیامت: «لاتحرک به لسانک لتعجل به. إنّ علینا جمعه و قرآنه. فإذا قرأناه فاتبع قرآنه. ثمّ إنّ علینا بیانہ»

این آیات از شتاب پیامبر در حفظ کردن آیات نازله و تکرار آنها از سوی او بحث می کند؛ حال آن که آیات قبل و بعد از آن ماجرای روز رستاخیز را بازگفته است. بر این اساس گمان می رود که هیچ ارتباطی میان این دو بخش از آیات وجود ندارد.

۲. آیه نخست سوره مائده: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمة الأنعام إلا ما یتلی علیکم». با اینکه «أوفوا بالعقود» و «أحلت لكم» هر دو در یک آیه واقع است، اما به نظر می رسد که هیچ گونه ارتباطی میان «وفای به عهد و پیمان» و «حلال بودن گوشت برخی از چهارپایان» وجود نداشته باشد.

۳. آیه ۳ سوره مائده: «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون الیوم أکملت لكم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الإسلام دیناً» آن گاه در ادامه می فرماید: «فمن اضطرّ فی مخمصة غیر متجانف لإثم فإنّ الله غفور رحیم».

آیه مورد بحث بر اساس چندین روایت مربوط به مسأله جانیشینی ولایت علی بن ابی طالب(ع) در روز غدیر خم است، اما در میان آیاتی جای دارد که احکام برخی از خوردنی ها را بیان داشته اند. از این رو بی ارتباط با قبل و بعد از خود به نظر می آید.

۴. آیه ۶۷ مائده: «یا ایها الرسول بَلِّغْ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بَلَّغْتَ رسالته و الله یعصمک من الناس إن الله لایهدی القوم الکافرین»

به اتفاق مفسران شیعه، شأن نزول این آیه به اعلان ولایت امام علی(ع) در غدیر خم بازمی گردد؛ اما از آنجا که آیات قبل و بعد درباره یهودیان و نصرانیان گفت و گو کرده اند، به هیچ روی نمی توان آیه را به آیات مجاور مرتبط نمود.

۵. آیه تطهیر؛ آیه ۳۳ احزاب «آنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً» آیه در محاصره آیاتی است که خطاب به زنان رسول خدا(ص) احکامی را بیان داشته اند؛ از این رو این اشکال پیش آمده است که مخاطبان این آیه مانند آیات قبلی و بعدی همان زنان پیامبر(ص) هستند، حال آن که علمای شیعه سخت تأکید دارند که اهل بیت(ع) تنها عبارتند از خاندان عصمت و طهارت؛ یعنی حضرت محمد(ص)، حضرت فاطمه(س)، امام علی و امام حسن و امام حسین(ع).

۶. آیه ۱۸۹ سوره بقره: «یستلونک عن الأهلئ قل هی مواقیت للناس و الحجّ و لیس البرّ بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لكنّ البرّ من اتقی و أتوا البیوت من أبوابها» ابتدای آیه سؤال درباره «سبب بدر و هلال ماه» است، اما در ادامه یکبارہ سخن از چگونگی وارد شدن به خانه و نهی از ورود به خانه دیگری از پشت بام است که به ظاهر هیچ گونه ارتباطی با هم ندارند.

به جز این موارد، به نمونه های دیگری از جمله آیه ۱ و ۲ سوره اسراء، آیه ۲۴ سوره انفال، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ بقره و آیات ۲ و ۳ سوره نساء اشاره شده است که در مجموع به ده آیه می رسد. در پاسخ باید به چند نکته توجه نمود:

* از آنجا که ارتباط بیشتر یا همه آیات قرآن مشخص است، بی ارتباط بودن حداکثر ده آیه نمی تواند به کلیت وجود ارتباط بین بیش از ۶۲۰۰ آیه دیگر لطمه ای بزند.

** برای این دسته از آیات نیز با اندکی تأمل می توان وجه یا جوهری در نظر گرفت تا ارتباط این آیات با آیات قبلی و بعدی در سوره مشخص شود؛ مثلاً سیوطی در الاتقان برای کیفیت ارتباط آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت چهار وجه ذکر کرده و عبدالکریم الخطیب در «التفسیر القرآنی للقرآن» ۳۸ سه وجه دیگر نیز بر آن افزوده است و شاید دیگران نیز با دقت بیشتر بتوانند جوهری دیگری بر آن بیفزایند. بنابراین نفهمیدن ارتباط در نظر نخست دلیل بر نبودن ارتباط نیست و پیوندها در بسیاری از موارد به دقت افراد ارجاع شده است.

*** حتی اگر ارتباط موجه و پذیرفتنی برای این گونه آیات یافت نشود و بپذیریم که این آیات همچون جزائر مستقلی هستند که هیچ ربطی با اطراف خود ندارند باز هم خدشه ای به نظریه وحدت غرض وارد نمی شود؛ زیرا - برخلاف علم مناسبت - آنچه در وحدت غرض در درجه اول اهمیت است، ارتباط همه آیات با غرض واحد و هماهنگی آنان با روح حاکم بر سوره است. از این رو ممکن است دو آیه همجوار یا صدر و ذیل یک آیه هیچ گونه تناسبی با یکدیگر نداشته باشد، اما به لحاظ ارتباطی که با غرض اصلی سوره دارند در کنار هم و در یک سوره گنجانده شده باشند.

شاید بتوان از این دست آیاتی همچون آیه اکمال، ولایت، تبلیغ و تطهیر را نام برد. این آیات همگی با غرض اصلی سوره که تأکید بر پیمان و عهد الهی است تناسب داشته و همچون سایر آیات این سوره جلوه هایی از پیمانها و عهدهایی را که باید مورد توجه و عمل واقع شوند گوشزد می نماید؛ با این تفاوت که این آیات بالاترین و مهم ترین پیمان را که پیمان ولایت است طرح می کنند.

د. انتقال از موضوعی به موضوع دیگر، اسلوبی ویژه قرآن

مخالفان تناسب آیات می گویند قرآن عربی است و روش عرب را در سخن گفتن پیموده است که مطالب گونه گون و ناهمگونی را در کنار هم چیده که بی هیچ مقدمه و زمینه سازی از یک غرض به غرض دیگر منتقل می شوند. به این روش «اقتضاب» گویند. ۳۹ از این دست می توان به آیه شریفه «و إن للطاغین شرّ مآب. جهنّم یصلونها فبئس المهاد» اشاره کرد که پس از وصف جنات عدن و لذتهای آن به یکباره و بی هیچ مقدمه ای به وصف جهنم و عذاب آن پرداخته است.

از دیدگاه این گروه، قرآن مشتمل بر چند سوره است و هر سوره نیز آیات چندی دارد و هر آیه هدفی ویژه دارد؛ آیه ای در موعظه، آیه ای در انداز، آیه ای قصه و آیه ای احکام و آیاتی هم در وصف بهشت و جهنم است و هیچ گونه ارتباط هم بین آیات وجود ندارد؛ چه رسد به اینکه غرض جامعی وجود داشته باشد. از این رو هرگونه تلاش در این زمینه مخالفت با سبک و اسلوب ویژه قرآن است و ناگزیر محکوم به شکست می باشد و جز به زحمت انداختن خود و دیگران حاصلی ندارد.

عالمانی همچون ابوالعلاء محمد بن غانم، ۴۰ شوکانی، ۴۱ فرید وجدی ۴۲ و استاد مکارم شیرازی ۴۳ معتقدند که هر دسته از آیات قرآن مربوط به موضعی بوده و ارتباطی با هم ندارند، حتی ابوالعلاء به صراحت اعلام نموده است که همه قرآن به روش اقتضاب وارد شده است؛ ولی در پاسخ این سخن باید گفت:

اولاً: تنوع و اختلاف موضوعات مانع از وجود ارتباط میان آنها نیست؛ مثلاً خداوند در آغاز سوره بقره درباره متقین، کفار و منافقان سخن گفته است. این سه گروه گر چه دارای خصوصیات ناسازگاری هستند، ولی در یک نکته مشترکند که بر همه آنها دین خدا عرضه شده است و هر یک به گونه ای با آن مواجه شده اند. همین اندازه اشتراک برای قرار گرفتن آیات مربوط به این سه دسته در کنار یکدیگر کافی است.

ثانیاً: عرب نیز اگر در میان سخنرانی خود بدون هیچ گونه زمینه ای ناگهان مطلبی نامرتبط با مطالب قبلی و بعدی بیان نماید مورد پذیرش اهل بلاغت نیست و باید دست کم ارتباطی در حدّ تداعی معانی وجود داشته باشد تا بتوان جمله یا عبارتی را ناگهان در میان بحثی غیرمرتبط با آن ذکر نمود. در غیر این صورت، ردیف کردن سخنان نامربوط از یک انسان معمولی زشت است؛ تا چه رسد به خداوند حکیم و خبیر که در بیان مطالب برترین روشهای بلاغت را می پیماید. ۴۴

۵. روشها و راهبردهای کشف غرض سوره

توجه به آثار ارزشمند پیوستگی آیات در پرتو روح حاکم بر سوره، اشتیاق به شناسایی غرض سوره ها را افزون می کند؛ اما باید توجه داشت که کشف غرض مشکل ترین بخش از کار در این زمینه است.

ابتدا باید گفت که غرض اصلی سوره های قرآن «کشف کردنی» است نه «وضع کردنی» و چنین نیست که هر مفسری به دلخواه موضوعی را برای یک سوره تعیین کند و آیات را به هر طریق ممکن بدان مرتبط نماید، بلکه هر سوره از آغاز نزول دارای غرضی مشخص و تعیین شده است و وظیفه مفسر و قرآن پژوه تنها کشف و راه یابی به این واقعیت است. البته چه بسا که همچون هر محقق دیگری راه به خطا بپیماید و به سرمنزل مقصود نرسد. اما اگر این روشها را به خوبی به کار گیرد و توفیق الهی نیز رفیق او باشد در پیمودن این طریق و کشف غرض اصلی موفق تر و مطمئن تر است. مفسران و قرآن پژوهان از روشهای گوناگونی برای راهیابی به اهداف و مقاصد سوره های قرآن سود جسته اند. آنان از اموری همچون سیاق آیات، شأن نزول سوره، اسم سوره، واژه های کلیدی سوره، آهنگ آیات آغازین و پایانی سوره و... به عنوان ابزارهایی برای کشف غرض اصلی سوره استفاده کرده اند.

مجموع روشها و ابزارهای کشف غرض اصلی سوره همیشه یک نقطه مشخص را نشانه می رود و غرض انتخاب شده با همه آنها سازگار است. از این رو نباید برخی از روشها به کشف یک غرض و برخی دیگر به کشف غرض دیگری برسند؛ مثلاً اگر غرض اصلی سوره بقره، «تقوا» باشد این غرض باید با سیاق آیات، شأن نزول سوره، اسم سوره، فضائل و خواص سوره، مدنی بودن سوره، واژه های کلیدی سوره، آهنگ آیات، آغاز و پایان سوره و خلاصه با همه نشانه های تشخیص غرض سازگار باشد در غیر این صورت باید در واقع نمایی کشف خود شک کنیم، زیرا این نشانه ها تنها ارزش طریقی دارند و به هیچ وجه از خود اصالت نداشته و همگی در خدمت یک غرض هستند. از این رو، روح حاکم بر سوره در وجود همه آنها نیز جریان دارد.

با توجه به آنچه گفته شد به بررسی روشهایی که مفسران برای «کشف موضوع» به کار گرفته اند می پردازیم و با تحلیل و ارزیابی هر یک تلاش می کنیم میزان کارایی و جایگاه حقیقی آن را در فرآیند کشف غرض سوره مشخص کنیم.

۱. سیاق سوره

رایج ترین و مطمئن ترین روش برای کشف غرض یک سوره بررسی سیاق سوره و تکیه به معنای منطوقی آن است. سیاق در اصطلاح اهل ادب به طرز جمله بندی که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات است گفته می شود، به گونه ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمه ها و سپس معنای جمله، معنای دیگر را نیز برای جمله به همراه آورد. البته در بحث وحدت هدف در سوره ها، سیاق مجموع جملات سوره مد نظر است و چه بسا اگر آن را روند کلی سوره بنامیم بهتر باشد.

برای تعیین هدف سوره با کمک سیاق آیات مراحل زیر را باید پیمود:

- آیات را مطالعه کرده و بر اساس معنای صریح عنوانی را برای آنان بر می گزینیم.

- از مجموع عناوین چند آیه یک عنوان کلی تر تنظیم می کنیم.

- عناوین کلی را در چند محور فرعی دسته بندی نموده و آنها را زیر عنوان فصلهای سوره مشخص می کنیم.

- حد جامع و قدر مشترک فصلها را با کمک سایر ابزارهای کشف غرض به دست آورده و به عنوان غرض اصلی سوره معرفی می کنیم.

- عناوین آیات، عناوین محورهای کلی و فصلهای سوره را در یک نظم منطقی به هدف اصلی مرتبط نموده و نمودار محتوایی سوره را ترسیم می کنیم.

سیاق سوره راهی منطقی است که گام به گام خواننده را به غرض اصلی سوره هدایت می کند و به راحتی چگونگی ارتباط آیات را با یکدیگر و با هدف اصلی سوره در یک نمودار محتوایی ترسیم می کند.

۲. نام سوره

یکی از نشانه هایی که مفسران را به کشف غرض سوره ها راهنمایی می کند، اسم سوره است. برخی از مفسران تأکید دارند که اسامی سوره های قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و غرض اصلی سوره داشته و اصولاً اسم سوره آینه تمام نمای اغراض آن است. ۴۵ و یا دست کم نام سوره درباره مسئله ای است که بیشتر آیات آن سوره درباره آن سخن می گویند. چنان که بیشتر آیات سوره برائت درباره بیزاری جستن از مشرکان و منافقان است. ۴۶

بنابراین باید گفت که اسامی سوره های قرآن در جهت مقصود و هدفی که از سوره دنبال می شده تنظیم شده است، به گونه ای که نام سوره اولین فروغ هدایت و روشنگری را در دل مخاطب روشن کند و او را در گام نخست با اهداف تربیتی سوره مرتبط سازد.

دلیل این مدعا آن است که قرآن کتابی ادبی است و در رعایت اصول ادبی - همچون سایر جنبه ها - معجزه ای بی بدیل و شگفت انگیز است. در نامگذاری سوره ها نیز اعجاز ادبی قرآن رعایت شده است. چنان که توانایی ادبی شاعران و داستان سرایان را از نامی که بر شعر یا داستان خود می گذارند می توان دریافت از نامهای قرآنی نیز به اعجاز آن می توان پی برد. نام هر قطعه ادبی از روح حاکم و فضای ویژه آن استخراج می گردد و عصاره ای از همه فضائل و همه سخنانی است که ادیب در چکامه خود گنجانده است. نام هیچ قطعه ادبی بر اساس جزئیات بی ارزش یا مسائل فرعی و یا فقط به تناسب کلمات ابتدایی و انتهای گزینش نمی شود، بلکه مهم ترین جنبه و اصلی ترین پیام شعر یا قطعه ادبی در اسم او تجلی می یابد. نام باید آن چنان جذاب، پرمحتوا و جهت دار باشد که در اولین برخورد خواننده را جذب نموده به خواندن وادار کند و در او عطش فهمیدن و یافتن معانی بلند سخن را به وجود آورد.

اسامی سوره های قرآن بر این اساس انتخاب شده است. بنابراین عنوانی شایسته قرار گرفتن در جایگاه «اسم سوره» است که اولاً ارتباط بسیار نزدیکی با هدف سوره داشته باشد، و ثانیاً از باری نمادین و سمبلیک برخوردار باشد تا در یک متن ادبی بتوان از آن به عنوان اسم استفاده کرد. اگر می بینیم غالباً اسامی سوره ها از میان کلمات موجود در آیات نخستین برگزیده می شوند به دلیل آن است که آیات نخستین هر سوره ارتباط معنی داری با غرض اصلی آن دارد و طبیعی است کلماتی که بیانگر این غرض هستند بیش از هر چیز دیگر شایستگی تبدیل شدن به اسم سوره را دارند.

به مثال، سوره «روم» از آن جهت بدین اسم نامیده شده که این سوره در باره «تحقق قطعی وعده های الهی» از جمله وعده قیامت و وعده نصرت مؤمنان است و از آنجا که در ابتدای سوره خبر از پیروزی قطعی رومیان بر ایرانیان می دهد و پیروزی قریب الوقوع رومی ها نمادی از «تحقق وعده های الهی» به شمار می رود، به همین دلیل، نام این سوره «روم» شده است. بنابراین تنها اینکه کلمه

«روم» در آیات اولیه این سوره آمده است و یا اینکه تنها سوره ای است که درباره کشور روم سخن می گوید دلیل نامیدن این سوره به نام روم نیست، بلکه هماهنگی معنوی این نام با محور و هدف اصلی سوره موجب شده که آن را «سوره روم» بنامند.

به راستی چه حکمتها و ظرافتهایی در نامگذاری یک سوره به نام «مورچگان» است، در حالی که تنها یک آیه در این سوره ۹۳ آیه ای درباره مورچگان وجود دارد و سوره نیز در صدد بیان علم و حکمت همه جانبه الهی و اثبات توحید در مقام تدبیر است. آیا از نظر عرف و عقل صحیح است که سوره ای درباره توحید باشد، اما به نام «مورچگان» نامگذاری شود؟ یا سوره دیگر درباره «تقوا» نازل شده و «گاو ماده» نامیده شود؟ تنها به دلیل آن که در یک یا چند آیه آن به مناسبتی سخن از گاو رفته است؟ آیا این نامها ما را به تفکر و تدبیر و نمایی دارد که درباره ارتباط آنها با مفاهیم سوره ها به تأمل و تحقیق پردازیم؟! آیا درست است که به جای تفکر در اسامی سوره ها خود را آسوده کنیم و بگوییم این نامگذاری ها، بنا بر رسم عرب با کوچک ترین مناسبت انجام می گرفته است. ۴۷

متأسفانه این نگرش ساده انگارانه به نامهای سوره های قرآن موجب شده است که بیشتر مفسران بدون توجه به اسامی سور و بدون اینکه تلاشی برای فهم آنها و تفسیرشان به عمل آورند از کنار این نامها ردّ شوند و یا حداکثر وجه تسمیه آنها را به آیاتی که نام سوره در آنجا ذکر شده ارجاع دهند. شگفت آن که حتی مفسرانی که وحدت غرض سوره ها را باور داشته اند نیز از رابطه بین اسم سوره و غرض آن غفلت نموده اند و جز اشاراتی پراکنده چیزی در این باره ننوشته اند.

تنها تفسیری که به این مسئله توجه بسیار کرده است تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» است که اساساً به منظور یافتن ارتباط بین آیات نگاشته شده، و معتقد است که برای کشف ارتباط آیات باید نخست مقصود و هدف اصلی سوره را مشخص کرد و برای تشخیص مقصود سوره بهترین راه توجه به نام سوره است. ۴۸ از این رو در مطلع هر سوره بخشی را به کشف ارتباط بین اسم سوره و غرض آن اختصاص داده است.

۳. آیات آغازین و پایانی سوره ها

تردید نیست که زیبایی و بلاغت سخن تا اندازه زیادی به عبارات آغازین و پایانی آن بستگی دارد. سخنگو و نویسنده زبردست در ورود و خروج به مقصود از خود حسن سلیقه و هنر نشان می دهد. به علاوه عالمان بلاغت از دیرزمان «حسن مطلع» و «حسن ختام» در هر سوره را از جمله محسنات بدیعی قرآن دانسته اند. بدین ترتیب که هر سوره با مقدمه ای ظریف آغاز می شود و با خاتمه ای لطیف پایان می یابد.

یکی از لطافتها و ظرافتهایی که در آیات آغازین و پایانی سوره ها رعایت شده است، ارتباط معنی دار و عمیق این آیات با غرض و مقصود اصلی سوره است؛ به گونه ای که در بسیاری سوره های قرآن بدون مطالعه سایر آیات و تنها با توجه به آیات ابتدایی و انتهایی سوره می توان به هدف اصلی سوره پی برد. از این رو آیات مزبور نه تنها نقشی بلاغی در زیبایی مطلع و ختام سوره را بازی می کنند، بلکه کاربردی کلیدی نیز در فهم مقاصد و مفاهیم سوره را به عهده دارند. معمولاً آیات نخستین هر سوره خلاصه ای از مهم ترین مطالب آن را بیان کرده و آیات پایانی به عنوان جمع بندی و نتیجه گیری نهایی غرض اصلی سوره را دوباره گوشزد می کند.

ارتباط آیات ابتدایی و انتهای سوره با غرض اصلی آن از نکاتی است که مورد توجه و عنایت برخی از مفسران از جمله علامه طباطبایی نیز بوده است. وی معتقد است که جز در چند مورد استثنایی - مانند سوره مریم و توبه - در سایر سوره های طولانی غرض از سوره به عنوان براءت استهلال در ابتدای آن و به عنوان حسن ختام در انتهای آن بیان شده است ۴۹ و اصولاً یکی از ویژگیهای سوره های قرآن این است که هر غرضی را که اوائل سوره در نظر دارد، اواخر آن نیز همان غرض را می رساند ۵۰ و در موارد زیادی که نمونه هایی از آن ذکر خواهد شد غرض سوره را با استناد به آیات نخستین و پایانی آن کشف می کند.

مقایسه اجمالی آیات ابتدایی و انتهای سوره ها نشان می دهد که مضامین و موضوعات مطرح شده در آنها به چه میزان به هم نزدیک بوده و چه تشابه و تقارن معنی داری بین آنها وجود دارد؛ مثلاً آیات نخستین سوره قلم درباره نفی تهمت جنون از پیامبر اکرم است و آیات پایانی نیز دوباره بر سخن کینه توزانه کفار اشاره می کند: «يقولون إنه لمجنون» و در هر دو مقطع نیز بر وحیانی بودن و اعجاز قرآن تأکید می نماید. این نشانه ها همگی حکایت از آن دارند که مفاهیم و مضامین موجود در این آیات مشترکاً یک هدف و غرض را نشانه رفته اند که همان غرض اصلی سوره را تشکیل می دهد. این نکته در تشخیص غرض سوره ها بسیار سودمند است و برای مفسرانی که درصدد یافتن هدف و غرض اصلی سوره ها هستند ارزش کلیدی دارد.

علامه طباطبایی برای بازشناسی هدف سوره عنکبوت چنین استدلال می کند:

«غرض سوره به طوری که از اول و آخرش و سیاق جاری در سراسرش استفاده می شود این است که هدف خدای تعالی از ایمان مردم تنها این نیست که به زبان بگویند ایمان آورده ایم، بلکه غرض، حقیقت ایمان است که تندباد فتنه ها آن را تکان نمی دهد و دگرگونی حوادث دگرگونش نمی کند.» ۵۱

آیه نخستین سوره عنکبوت: «أ حسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا و هم لا يفتنون» به صراحت به منظور و غرض سوره اشاره می کند، و آخرین آیه این سوره «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا» با ذکر سرانجام پایداری در راه حق و تمسک به حقیقت ایمان به گونه ای دیگر بر بی اعتباری ایمان زبانی عاری از حقیقت اشاره دارند.

۴. شأن نزول آیات و سوره ها

شناخت شأن نزول آیات و سوره ها، نقش بسیار مهمی در فهم و درک معانی قرآن و کشف اغراض و اهداف سوره ها ایفا می نماید. به همین جهت است که مفسران اولین چیزی را که در تفسیر هر آیه در نظر گرفته بررسی می کنند، شأن نزول آن است و تفسیری را بیشتر دارای ارزش می دانند که مفسر بیش از دیگران، آگاه به شأن نزول آیات بوده باشد. یکی از دلایلی که امیرالمؤمنین علی(ع) در بین شیعه و سنی آگاه ترین و تواناترین فرد در تفسیر قرآن نامیده شده است آن است که آن حضرت پس از پیامبر بیش از همه از اسباب نزول آیات مطلع بوده است. خود آن حضرت می فرماید:

«و الله لم تنزل آية إلا و أنا أعلم فيما نزلت و فيمن نزلت و أين نزلت.» ۵۲

سوگند به خداوند هیچ آیه ای نازل نشد جز آن که می دانم درباره چه موضوعی و درباره چه کسی و در کجا نازل شده است.

قرآن پژوهان و مفسران فوائد بسیاری برای «شان نزول» شمرده و بر تأثیر بسزای آن در تفسیر قرآن و فهم معانی آن تأکید کرده اند. اما آنچه در این مجال مد نظر است تأثیر «شان نزول» بر تشخیص و تعیین هدف اصلی هر سوره می باشد.

اگر از گذرگاه دشوار و پردست انداز حجیت روایات شأن نزول بگذریم و جواز استفاده از آنها را در استنباطات قرآنی به دست آوریم ۵۳ از چند جهت می توانیم از آنها در کشف غرض سوره بهره مند شویم:

۱. به اعتقاد بیشتر دانشمندان علوم قرآن «شناخت شأن نزول آیات» برای آگاهی از مدلول صحیح آیات و برطرف شدن شک و ابهام از چهره مفاهیم ظاهری آنها ضروری است، و اگر کسی بخواهد مدلول صحیح آیات و مفهوم صحیح آیات را بدون «شناخت شأن نزول» باز یابد در حقیقت راهی ناقص را طی کرده است و گاهی ممکن است نتیجه ای معکوس و واژگونه عاید او شود. ابن تیمیه ۵۴ در این باره می گوید:

«شناسایی سبب نزول به فهم و درک صحیح آیه یاری می رساند، زیرا علم به سبب، موجب علم به مُسَبَّب یعنی علم به خود آیه می شود.» ۵۵

از آنجا که کشف غرض هر سوره متوقف بر فهم معانی صحیح آیات است و با برداشتهای ناقص و حدس و احتمال و ترجمه تحت اللفظی آیات نمی توان به غرض اصلی سوره رسید؛ بنابراین توجه به «شان نزول» آیات کمک مهمی به کشف غرض سوره می نماید. به عنوان نمونه باید به آیات شریفه اکمال، تبلیغ و ولایت در سوره مبارکه مائده اشاره کرد. این آیات که از آیات کلیدی و محوری سوره مائده هستند و نقش مهمی در کشف غرض سوره به عهده دارند به علت بی توجهی به شأن نزول و نفهمیدن درست معانی بلند آنها مورد غفلت برخی از مفسران اهل سنت قرار گرفته و در نتیجه در تشخیص غرض سوره به خطا رفته اند.

شأن نزول های متعدد و قطعی درباره آیات سه گانه یادشده ثابت می کند که این آیات درباره ولایت حضرت علی(ع) پس از پیامبر(ص) نازل شده است و همگی به پیمان الهی ولایت اشاره دارند و با غرض اصلی سوره که درباره وفای به عهد و پیمانها و پیمانهای الهی و اجرای حلال و حرام خداست پیوندی ناگسستنی دارند. اگر معنای این آیات به کمک شأن نزول آنها به درستی درک می شد هر مفسری بی درنگ از خود می پرسید که چرا سه آیه مهم پیرامون ولایت در سوره مائده قرار داده شده و چه ارتباطی بین غرض سوره و پیمان الهی ولایت وجود دارد؟ آن گاه با اندکی تأمل در می یافت که از آنجا که هدف سوره درباره عهد و پیمان است، این آیات در آن گنجانده شده اند.

۲. شأن نزول سوره در مواردی نیز به طور مستقیم در تعیین غرض سوره نقش دارد و آن در جایی است که شأن نزول درباره تمام سوره باشد. از این دست باید به سوره های کوتاه و یا سوره های بلندی که یکباره نازل شده اند اشاره کنیم. در این موارد به روایاتی بر می خوریم که شأن نزول سوره را بیان داشته و اشاره به آیه خاصی ندارند؛ مثلاً در شأن نزول سوره تکاثر وارد شده که سوره درباره دو طائفه از قریش به نام بنی سهم و بنی عبدمناف نازل شده که تفاخر می نمودند تا اینکه کار آنان به شمارش مرده های دو قبیله کشید و به تعداد مردگان خود تفاخر می کردند. ۵۶ با استناد به این روایت که در شأن نزول سوره تکاثر وارد شده درمی یابیم که غرض اصلی سوره نکوهش تفاخر و تکاثر است؛ گذشته از آن که اسم سوره و سیاق آیات آن نیز این برداشت را تأیید می کند.

در انتها بار دیگر باید بر این نکته تأکید کرد که در استفاده و به کارگیری روایات شأن نزول پیش از هر اقدامی باید صحیح و سقیم آنها را از هم جدا کرد و روایات صحیح السند و قطعی الصدور را مبنای استدلال و استنباط قرآنی قرار داد.

۵. مکی یا مدنی بودن سوره

یکی از مباحث سودمند و پرفایده علوم قرآنی، بازشناسی سوره های مکی از مدنی است. مکی یا مدنی بودن سوره ها نه تنها در فهم تاریخ و مکان نزول سوره تأثیر دارد، بلکه در استنباط فقهی و استدلال کلامی نیز مؤثر است و فصل الخطاب برخی از مباحث جنجالی در حوزه علوم قرآنی به شمار می رود. یکی از دستاوردهای مهم این علم که تا کنون از آن غفلت شده است تأثیر مکی یا مدنی بودن سوره در کشف غرض آن است.

می دانیم که معیار مکی یا مدنی بودن سوره ها بنابر نظر مشهور مفسران به نزول آن پیش از هجرت یا پس از هجرت باز می گردد. دانشمندان ویژگیهای فراوانی از حیث شکلی و محتوایی برای سوره های مکی و مدنی بازگو کرده اند تا با توجه به آنها مکی یا مدنی بودن یک سوره معلوم گردد. اما از این میان آنچه که به ما در کشف غرض سوره یاری می رساند ویژگیهایی است که جهت گیری محتوایی سوره را ترسیم می کند. و به ما می آموزد که سوره های مکی معمولاً درباره چه اموری سخن می گویند و سوره های مدنی چه موضوعاتی را بیشتر مورد توجه خود قرار داده اند.

خوشبختانه از این جهت نیز در کتب علوم قرآنی مطالب فراوانی به چشم می خورد که خلاصه آنها به شرح زیر است:

۱. سوره های مکی درباره اصول معارف و اصل ایمان و دعوت به اسلام و پاسخگویی به شبهات مشرکان و بت پرستان سخن می گویند، اما سوره های مدنی از حدود، فرائض، حقوق شخصی، قوانین مدنی و اجتماعی و احکام شرعی سخن به میان آورده اند.

دعوت به پایبند بودن به اخلاق و استقامت در رأی و سلامت عقیده و ترک لجاج و عناد و نیز برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و ناچیز شمردن اندیشه های تهی و بی اساس آنان از ویژگیهای سوره های مکی به شمار می رود. در حالی که برخورد با اهل کتاب و دعوت آنان به میانه روی در عقاید و افکار و اندیشه ها و نیز مبارزه با منافقان و ذکر خصائص و صفات آنها از ویژگیهای سوره های مدنی است.

۳. در مکه بنای دعوت بر تسامح، تساهل، مدارا، چشم پوشی، عفو و گذشت بود، ولی در مدینه اذن جهاد صادر شد و احکام آن بیان گشت. از این رو هر سوره ای که در آن از جهاد و احکام آن سخن یاد می کند مدنی است.

بنابراین در نگرشی کلی می توان گفت سوره های مکی بیشتر درباره مسائل اعتقادی و اصول دین سخن می گویند و سوره های مدنی بیشتر به مباحث اجتماعی و حکومتی توجه دارند. بنابراین با مشخص شدن مکی یا مدنی بودن یک سوره می توان تا حدودی به هدف اصلی سوره راه یافت. ناگفته پیداست که این ابزار تنها برای «تحدید» غرض سوره مفید است، اما برای «تعیین» و معرفی غرض و غرض اصلی سوره کاربردی ندارد. به عبارت دیگر وقتی مشخص شد که سوره ای مانند «انعام» مکی است و به دلایل تاریخی یا سیاق آیات پیش از هجرت نازل شده است، می توان به سرعت دریافت که

باید هدف اصلی آن یکی از مباحث اعتقادی باشد هر چند که این سوره مشتمل بر برخی از وظائف شرعی و محرمات دینی نیز هست. چنان که علامه طباطبایی معتقد است که غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است توحید به معنای اعم است، و دکتر عبدالله شحاته هدف اصلی سوره را تثبیت و تأیید عقاید بنیادی سه گانه توحید، نبوت و معاد می داند. به همین ترتیب سایر مفسران نیز به نحوی هدف و غرض این سوره مکی را در چارچوب مسائل اعتقادی ارزیابی کرده اند.

هنگامی که با استمداد از ویژگی مکی یا مدنی بودن سوره، دامنه هدف آن را محدود کردیم، آن گاه با استفاده از دیگر ابزارها به کشف غرض سوره می پردازیم. طبیعی است که در این حالت به علت اینکه احتمالات موجود در زمینه غرض سوره تقریباً به نصف کاهش یافته کشف غرض آسان تر خواهد بود.

۶. اسماء الحسنی

یکی دیگر از ابزارها و اسباب شناخت غرض سوره ها، چگونگی کاربرد نامهای الهی و نسبت آماری مربوط به آن می باشد. این نامها که در ارتباط با محتوا و مضمون محوری هر سوره و تأثیرات تربیتی و ارشادی آنها به کار رفته اند، راهنمای بسیار مفیدی برای شناخت بهتر سوره ها هستند. مثلاً کاربرد فراوان نام جلاله «الله» یا نام «رب» در یک سوره و بالا بودن نسبت آماری آن، جهت گیری سوره را در زمینه «الوهیت» یا «ربوبیت» نشان می دهد. مخاطب سوره هایی که نام «الله» در آنها به فراوانی به کار رفته، به طور عمده مؤمنان هستند و آنها را از لغزشگاه های اخلاقی و عملی متوجه عظمت مقام خداوند می نماید. اما در سوره هایی که نام «رب» در آنها بیشتر به کار رفته مشرکان مخاطب هستند و محور سوره در جهت شرک زدایی و توحید است؛ مانند سوره ملک. همچنین نامهای غفور و رحیم، عزیز و حکیم، علیم، بصیر، هر یک زمینه ای از بخشش و مغفرت، قانونمندی حکیمانه هستی و آگاهی خدا را بر جزئیات امور اعمال انسانها نشان می دهد. ۵۷ اکنون به چند نمونه اشاره می کنیم:

در سوره کهف به جز «الله» و «رب» که در بیشتر سوره های قرآن آمده، تنها به سه نام دیگر برخورد می کنیم. آیه ۴۵ «کان الله علی کل شیء مقتدرأ»، و آیه ۵۸ «وربک الغفور ذو الرحمة». اما نکته ای که بیشتر جلب توجه می کند، فراوانی نسبی نام «رب» به صورت مضاف در ترکیب با ضمیر می باشد که جمعاً ۳۷ بار به کار رفته است. به طوری که کلمه «ربی» با ۱۳ بار تکرار در این سوره بالاترین رقم را در کل قرآن دارد. تعداد نام «الله» بر خلاف انتظار ۲۰ مورد است، آن هم با احتساب اله، الهأ، الهکم، الهه که حدود نصف موارد تکرار رب است، در حالی که تعداد «الله» در کل قرآن حدود سه برابر رب می باشد. ۵۸ به این ترتیب نام «رب» در این سوره حدود ۶ برابر معدل نسبی این نام در کل قرآن است. این امر دلالت بر تکیه سوره بر هدف «ربوبیت» و ولایت می کند. ۵۹

نمونه دیگر سوره «مریم» است. غرض اصلی این سوره مسئله ارتباط انسان با خدا است. اسماء الحسنای به کار رفته در سوره نیز به شکل شگفت انگیزی با این غرض ارتباط دارد. در سوره مریم تنها به سه مورد از اسماء الحسنی اشاره شده که عبارتند از: الله، رب و رحمن؛ با اینکه تعداد لفظ جلاله «الله» در قرآن از همه کلمات بیشتر است، اما در اینجا نام رحمن گذشته از آن که دوبرابر «الله» می باشد (۱۶ بار در برابر ۸ بار) از بقیه سوره های قرآن نیز بیشتر است، به طوری که حدود ۳۰٪ از مجموع موارد این نام در این سوره کوچک که ۱٪ حجم قرآن را دارد به کار رفته است. این

مسئله نشان می دهد که غرض «رحمانیت» محور اساسی سوره و از کلمات کلیدی و زیربنایی آن می باشد. نام «رحمن» رحمت جهان گستر پروردگار را که همچون نور همه انسانها و موجودات را به گونه برابر فرا گرفته تداعی می نماید. در برابر نور رحمت، انسانها دو نوع بازتاب نشان داده اند، انبیا و اولیا و بندگان مؤمن و صالح خداوند از طریق نماز (ارتباط با خدا) شکر این نعمت را به جای آورده مجذوب آن گشته و توانسته اند در تخلق به اخلاق الله، خود مظهر محبت و مودت و لطف و رحمت و مردم دوستی گردند. اما بیشتر مردم، قدر «صلاة» را نشناخته و با ضایع کردن این نعمت به «شهوات» (قطع ارتباط با خدا) روی آورده اند. اهل «صلاة» از طریق ارتباط با خدا به «رشد» و هدایت رسیده اند و اهل «شهوات» با سرسپردگی به معبودهای خیالی به «غی» و ضلالت در افتاده اند. ۶۰

از این نمونه ها در سوره های دیگر نیز فراوان یافت می شود. مثلاً در سوره قمر که محور اصلی آن انذار کافران از عذاب دنیوی و اخروی است، «مقتدر» بیش از سایر اسماء الهی به کار رفته است و یک بار نیز از صفت «عزیز» همراه با «مقتدر» استفاده شده است. همه این نمونه ها و نشانه ها رابطه روشنی بین اسماء الحسنای به کار رفته در یک سوره و غرض آن را نشان می دهند که با دقت و کاوش می توان این ارتباط را قانونمند و منظم نمود.

۷. حروف مقطعه و اغراض سوره ها

۲۹ سوره قرآن کریم با حروف مقطعه آغاز می شوند. درباره مدلول حروف مقطعه و حکمت افتتاح سوره به آنها، آرای متفاوتی از سوی مفسران ابراز شده است. برخی آنها را عبارت از حروف ساده ای می دانند که خداوند متعال با افتتاح بعضی از سوره با آنها خواسته است بفهماند که قرآن از همین حروف تشکیل شده اند و اگر شما نیز می توانید با کمک این حروف چیزی مانند قرآن بیاورید، برخی دیگر این حروف را درک ناشدنی دانسته و آنها را اسرار ناگشودنی قرآن به شمار آورده اند. عده ای دیگر آنها را نامهای قرآن یا اسامی برخی از سور می دانند و گروه دیگری، این حروف را رمزی از اسماء اعظم الهی دانسته و می گویند خداوند با این حروف به نام خود سوگند خورده است. ۶۱

اما نظریه دیگری که راجع به این حروف ابراز شده و رابطه مستقیمی با نظریه وحدت غرض و روشهای کشف غرض سوره دارد، نظریه ای است که به وجود ارتباط بین حروف مقطعه و موضوعات سوره های مربوطه می پردازد. بر اساس این نظریه مضمون سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شوند به یکدیگر شبیه بوده و در سوره هایی که حروف مقطعه آنها از یک نوع است شباهت بیشتر و اغراض بسیار به هم نزدیکند. یکی از مفسرانی که این نظر را طرح کرده علامه طباطبایی است. ایشان می نویسد:

«اگر کسی در سوره هایی که سرآغازشان یکی است مانند سوره های (الم) (المر) و سوره های (طس) و (حم) دقت کند خواهد دید که سوره هایی که حروف مقطعه اول آنها یکی است، از نظر مضمون به هم شباهت دارند و سیاقشان یک سیاق است، به طوری که شباهت بین آنها در سایر سوره ها دیده نمی شود.

مؤید این معنی شباهتی است که در آیات اول بیشتر سوره ها دیده می شود؛ مثلاً در سوره های (حم) آیه اول آن با عبارت «تلك آیات الكتاب» است، یا عبارتی دیگر که این معنی را می رساند و

سوره هایی که با (الم) افتتاح شده با عبارت «تلك آیات الكتاب» و یا چیزی به همین معنی آغاز شده است. یا سوره هایی که با (الم) آغاز گشته در بیشتر آنها نبودن ریب در این کتاب ذکر شده است. با در نظر گرفتن این شباهتها ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره هایی که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی باشد، مؤید این حدس آن است که می بینیم سوره اعراف که با (المص) آغاز شده، مطالبی را که در سوره های (الم) و سوره (صاد) هست در خود جمع کرده، و نیز می بینیم سوره رعد که با حروف (الم) افتتاح شده، مطالب هر دو قسم سوره های (الم) و (الر) را دارد.

ای بسا اگر اهل تحقیق در مشترکات این حروف دقت کنند و مضامین سوره هایی که بعضی از این حروف در آغاز آنها آمده را با یکدیگر مقایسه نمایند، رموز بیشتری بر ایشان گشوده گردد. و ای بسا معنای آن روایتی هم که اهل سنت از علی(ع) نقل کرده اند همین باشد که: هر کتابی نقاط برجسته و چکیده ای دارد و چکیده قرآن، حروف مقطعه است. «۶۲»

مسئله «چکیده و خلاصه» بودن حروف مقطعه از یک سو و دلالتی که می تواند بر اشتراک مضامین سوره های مشتمل بر این حروف بنماید از سوی دیگر، مبنای تحقیق و بررسی قرآن پژوهان معاصر قرار گرفته است.

از مقایسه مضامین سوره های افتتاح شده با حروف مقطعه می توان نتیجه گرفت که رابطه دقیق و معنی داری بین حروف مقطعه با مضامین سوره ها و غرض اصلی آنها وجود دارد و هر گاه این حروف تکرار می شوند - مثلاً سوره های دارای (الم) - اغراض آنها نیز به هم نزدیک شده و در مواردی کاملاً بر یکدیگر منطبق می شوند.

۸. قصص قرآنی و اغراض سوره ها

یکی از ابزارهای مؤثر قرآن برای تفهیم مقاصد و اهداف متعالی اش، بیان و بازگویی واقعیتها و رخدادهای تاریخی است. و یکی از ویژگیهای قصص قرآنی، هم سو و هم جهت بودن آنها با مطالب سوره و هدف اصلی آن است. اگر محور اصلی سوره ای اثبات یگانگی خداوند باشد واقعیتهای تاریخی که در آن مطرح می شوند بر مسئله توحید تکیه دارند. اگر مطلب اصلی سوره نجات مؤمنان از چنگال مشرکان و کفار است رخدادهایی که پایان آنها نجات ایمان آورندگان را در پی دارد ارائه می گردد و اگر سوره در صدد تقویت قلب پیامبر یا به هراس افکندن مشرکان از آزار و اذیت مسلمانان باشد، سرگذشت مبارزه انبیا با دشمنان را می آورد که سرانجام با پیروزی پیامبران به همراه بوده است. اگر سوره ای معاد را محور اصلی خود قرار داده نمونه های عینی تاریخی که نمایانگر قدرت بی پایان الهی بر احیای اموات است به خواننده ارائه می شود و سرانجام اگر سوره ای بر جهاد با مشرکان تأکید دارد، مقاومت و پایداری جبهه حق در رویارویی با دشمنان شان را یادآور می شود.

حکمت تکرار سرگذشتها در قرآن نیز در اصل به همین نکته باز می گردد. یک واقعیت مانند زندگی حضرت آدم، موسی یا نوح در سوره های مختلف قرآن و با الفاظ متفاوت نقل شده و ظاهراً همه از یک واقعیت حکایت می کنند، اما هر یک تنها به جنبه ای از داستان اشاره دارد که با غرض سوره و غرض اصلی آن هماهنگ است. بنابراین نقلهای تاریخی مانند سایر عناصر سوره در خدمت غرض اصلی سوره است و مقاصد و اهداف هر سوره را به آسانی و با روشی جذاب و تأثیرگذار به خواننده خود انتقال می دهد.

قرآن پژوهانی که به وحدت غرض سوره ها توجه داشته و از این منظر به بررسی گزارشهای تاریخی قرآن پرداخته اند، به وجود رابطه معنی دار و محکمی بین نحوه عبارت پردازی قصص و غرض سوره اشاره کرده اند و آن را یکی از عوامل جذابیت و لطافت بیانهای قرآنی برشمرده اند.

بقاعی نیز در تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» که سخت به ارتباط آیات معتقد بوده و تفسیر خود را بر این اساس نگاشته است به وجود تناسب بین غرض سوره و نقلهای تاریخی آن اعتراف می کند. بقاعی یکی از راه های کشف ارتباط آیات را دسترسی به غرض و مقصود اصلی سوره می داند و معتقد است که در پرتو آن می توان مشکل ارتباط آیات را حل کرد. از سوی دیگر می گوید: با کشف نحوه ارتباط آیات، حکمت تکرار یک قصه در سوره های مختلف روشن می شود. و از همین جا به این نکته منتقل می شود که بین غرض سوره و نحوه قصه پردازی در آن رابطه مستقیم وجود دارد. ۶۳.

علامه طباطبایی نیز در ابتدای سوره قصص که در آن به هجرت موسی از مصر و سپس بازگشت افتخارآمیز او به شهرش اشاره دارد بر وجود هماهنگی بین سرگذشت موسی و هدف سوره تأکید دارد. ناگفته نماند که برای نشان دادن رابطه بین «کیفیت عبارت پردازی در گزارشهای تاریخی قرآن» و هدف اصلی سوره به نمونه ها و شواهد فراوانی می توان اشاره نمود که هر یک به گونه ای این ارتباط معنی دار و هدایت کننده را می نمایانند.

۶. گزارشی از سبکهای نمایشی ساختار سوره ها

یکی از جنبه هایی که مورد توجه مفسران قرار گرفته است، روش سبک نمایشی ساختار سوره هاست، بدین معنی که پس از بازشناسی غرض سوره و تعیین چگونگی ارتباط آیات با آن، ساختار نهایی سوره را با چه الگویی در معرض دید خوانندگان قرار دهند تا وی بتواند با مفاهیم سوره ارتباط برقرار کرده بر وجود هماهنگی منطقی میان آیات و غرض پی ببرد؟

انتخاب الگویی مناسب برای نمایش ارتباط آیات به دو دلیل از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. اول به جهت آن که در نگاه اول و سطحی، آیات قرآن بی نظم و بدون ارتباط به نظر می رسند و به همین دلیل طرفداران نظریه ساختار به تکلف و تحمیل امری بر خلاف سبک و سیاق قرآن متهم هستند. این شبهه و زمینه سازی های بعدی آن طرفداران این نظریه را به گزینش الگویی مناسب و گویا که به سرعت ارتباط آیات را مشخص کرده و شبهه تکلف را از میان ببرد سوق داده است. بنابراین پذیرش عمومی نظریه سوره ها تا اندازه زیادی به چگونگی نمایش و ارائه آن وابسته است؛ به گونه ای که در کمترین زمان خواننده را با نظم شگفت انگیز و ارتباط منطقی اجزای سوره آشنا نماید و شبهه تکلف و تهمت بی نظمی را بزدايد. از سوی دیگر بسیاری از فوائد و نتایجی که از نظریه وحدت غرض سوره ها انتظار داریم به گونه ای با سبک نمایش آن مرتبط می شود. از این میان فوائد آموزشی و عملی این روش همانند حفظ آسان مفاهیم قرآن، فهرست بندی قرآن، تهیه طرحهای آموزشی، ارتباط نزدیک تری با مدل نمایش سوره دارند. بنابر این در صورتی که مدل انتخاب شده از گویایی و پویایی لازم برخوردار نباشد بسیاری از فوائد دستاوردها و پیامدهای ساختار سوره ها حذف می شود.

این دلایل موجب شده تا با دقت و حساسیت ویژه ای به بررسی روشها و سبک های رایج نمایش ساختار سوره پرداخته با نقل و سپس نقد آنها راه همواری را برای نمایش ارتباط درونی سوره ها بیابیم.

بررسی اسلوبها و سبکهای رایج تفاسیر نگاشته شده بر مبنای ساختار سوره نشان می دهد که این نظریه به شش روش، قابل ارائه و نمایش است که عبارتند از:

۱. سبک نمودار محتوایی

۲. سبک گزارش محتوایی

۳. سبک نمودار درختی

۴. سبک استدلالی

۵. سبک گزارش اجمالی

۶. سبک تفصیلی

یک. سبک نمودار محتوایی

روش نمودار محتوایی یکی از روشهای پذیرفته شده است که در سالهای اخیر برای انتقال مفاهیم علوم و نشان دادن رابطه میان مباحث پراکنده آنها به کار می رود، که به لحاظ کارایی و تأثیری که این روش در انتقال سریع مفاهیم به مخاطبان دارد بسیار مورد استقبال واقع شد و به تدریج جای خود را در میان همه علوم باز کرد.

در این روش، ابتدا مباحث اصلی و محوری مشخص شده و سپس زیرمجموعه های آن یکی پس از دیگری و با رعایت نحوه ارتباط آنها با یکدیگر ردیف می شود و از آنجا که نمودار از کل به جزء حرکت می کند می تواند همه جزئیات مباحث را پوشش داده و ارتباط آنها را باموضوع اصلی روشن کند و جایگاه هر بحث را در مجموع نشان دهد.

نمونه ای از روش نمودار محتوایی را در فهرست مطالب کتابها می بینیم با این تفاوت که در فهرست کتب به ذکر جزئیات نمی پردازند، اما در روش نمودار محتوایی جزئیات نیز مورد توجه واقع می شوند.

تفسیر کاشف تنها تفسیری است که به این روش توجه نموده و بر این اساس به ترسیم روابط آیات با هدف اصلی سوره پرداخته است.

در این تفسیر پس از کشف موضوع اصلی هر سوره، روابط موضوعات گوناگون سوره با موضوع اصلی و روابط آیات با موضوعات فرعی در یک نمودار جامع نشان داده است، به گونه ای که خواننده با نگاهی اجمالی به نمودار می تواند به پیوستگی مفاهیم و مباحث مطرح شده در سوره پی ببرد و چهره موزون سوره های قرآن را احساس نماید.

حجة الاسلام دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی مؤلف این تفسیر تاکنون شش جلد از این تفسیر و ترسیم نمودار محتوایی ده سوره اول قرآن (تا سوره یونس) ارائه کرده که با ترجمه تفسیری دکتر سید محمدباقر حجتی، اشعار جالب، تصاویر مناسب و روش نگارشی نوین، ارزش و بهای دوچندانی یافته است.

تفسیر کاشف با تکیه بر روش نمودار محتوایی؛ ابتدا فهرست تفصیلی مطالب سوره را تنظیم نموده و سپس ضمن ترجمه آیات به ذکر نکات تفسیری و تاریخی مرتبط با آیات می پردازد. در این تفسیر به روابط مضامین سوره ها با یکدیگر نیز توجه وافری شده است و قبل از هر چیز در تفسیر سوره ها به رابطه آن با سوره های قبلی و بعدی می پردازد. برای آشنایی بیشتر با این تفسیر و سبک نمودار محتوایی آن، نمودار سوره بقره را ذکر کرده و برای پرهیز از طولانی شدن سخن تنها به آدرس آن بسنده می کنیم.

دو. سبک گزارش محتوایی

روش دیگری که برای نمایش ساختار سوره ها به کار می رود «سبک گزارش محتوایی» است. این سبک که در برخی از کتب تفسیری رایج است بر پایه معرفی سوره و گزارش محتوای آن در فصول و بخشهای جداگانه استوار است.

در این روش، مفسران، ابتدا مقاصد اصلی و محورهای مهم سوره را بیان می کنند و در بیشتر موارد نیز محورهای چندی برای سوره در نظر می گیرند. آن گاه با دسته بندی آیات ذیل مقاصد اصلی به چگونگی ارتباط آیات با آنها اشاره می کنند.

از آنجا که مبنای اساسی این روش، گزارش از مضمون و محتوای سوره است به نکات تفسیری کمتر توجه می شود. هر چند در مواردی به نکات برجسته هر سوره نیز اشاره می شود؛ اما آن هم برای نشان دادن نحوه ارتباط آیات و به دست آوردن مؤیدی بر مقاصد و اهداف سوره است.

دکتر عبدالله محمود شحاته در کتاب «اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم» از همین روش پیروی کرده است. وی در هر سوره تلاش دارد با گزارشی از مضامین سوره و سیاق آیات آن و یا ارتباط سوره با سوره های مجاور خواننده را به مقاصد اصلی سوره راهنمایی کند. و از سوی دیگر با اشاره به عناصر اساسی سوره هماهنگی آنها را با غرض اصلی سوره نمایش دهد؛ مثلاً در ترسیم اهداف سوره سبأ پس از آن که با ذکر مقدمه ای به معرفی سوره می پردازد درباره موضوعات اصلی سوره می نویسد:

«موضوعات و مسائل سوره سبأ همان موضوعات عمومی و اساسی عقیده یعنی توحید، ایمان به وحی و اعتقاد به روز جزا می باشد. و نیز از این حقیقت سخن به میان می آید که ایمان و عمل صالح - نه اموال و اولاد - اساس حکم و داوری و پاداش نزد خداوند است.» ۶۴

وی سپس به بیان مباحث و فصول سوره سبأ می پردازد و آنها را در شش فصل رده بندی می کند: فصل اول: الوهیت «اثبات بعثت و معاد» (آیات ۹ - ۱)، فصل دوم: داود و سلیمان (آیات ۱۴ - ۱۰)، فصل سوم: قوم سبأ (آیات ۲۱ - ۱۵)، فصل چهارم: شرک و توحید (آیات ۲۷ - ۲۲)، فصل پنجم: صحنه قیامت (آیات ۴۲ - ۲۹)، فصل ششم: دعوت به مطالعه دقیق و تفکر و اندیشیدن (آیات ۵۴ - ۴۳).

چنان که ملاحظه می شود بین این فصول هیچ گونه ارتباط منطقی و اشتراک در موضوع دیده نمی شود؛ زیرا وی با این فصل بندی درصدد نشان دادن آیات با غرض واحد نیست، بلکه ذیل هر فصل گزارشی از محتوای آیات مربوطه می دهد و سعی می کند هماهنگی آنها را با فضای کلی سوره که طرح مسائل عقیدتی است نشان دهد. با توجه به اینکه وی فضای عمومی همه سوره های مکی را

یکسان می بیند چه بسا در بیشتر سوره ها به وحدت مقاصد کلی آنها با یکدیگر گرایش یابد؛ گرچه در برخی از سوره ها نیز تلاش می کند تا خطوط اساسی سوره را ترسیم نماید و در موارد اندکی مانند سوره فرقان نیز به وجود یک خط اصلی و اساسی در سوره اعتراف می کند.

همه این تردیدها و رفت و آمدها برای آن است که معیار اساسی در این روش تنها گزارش محتوای سوره ذیل دسته بندی های مشخص است و اگر اتفاقاً این گزارش مفسر را به وجود یک موضوع اصلی در سوره برساند، بسیار مطلوب و خوشایند است. و گرنه هیچ اشکالی وجود ندارد که سوره دارای دو یا سه محور اصلی باشد و اصولاً در آن سوره یک هدف دیده نشود. از این رو مهم ترین ایرادی که بر این روش وارد است به وجود آمدن حالت بلاتکلیفی و سردرگمی در خواننده است. سبک گزارش محتوایی از ارائه نهایی یک نمودار منطقی و از ارتباط دادن آیات در پرتو غرض واحد ناتوان است، هر چند در برخی موارد او را به وحدت سیاق و غرض در سوره می رساند، اما در بیشتر سوره خواننده را بین «وحدت و کثرت» سرگردان نگاه می دارد تا او با تلاش و دقت مضاعف به بخشی از ارتباط آیات دست یابد.

سه. سبک نمودار درختی

روش دیگری که قرآن پژوهان معاصر برای نشان دادن ساختار سوره ها به کار برده اند «سبک نمودار درختی» است. در این سبک به جای ارتباط آیات همجوار با یکدیگر و با غرض اصلی سوره به ارتباط مفاهیم و موضوعات مطرح شده با غرض می پردازند. این سبک بر این مبنا استوار شده است که هر سوره دارای روح خاصی است که در همه اجزای آن دمیده شده و مطالب پراکنده و موضوعات جداگانه را زیر یک سقف جمع کرده و آنها را به سوی یک غرض مشخص هدایت نموده است. و به عبارتی دیگر هر سوره قرآن همچون درختی است که شاخه هایی پراکنده دارد و بر هر شاخه ای میوه ای و هدفی نشسته است، همه شاخه ها و میوه ها از یک منشأ ارتزاق می کنند که همان ریشه درخت باشد. بنابراین آنچه در هر سوره ضروری است ارتباط آیات مختلف با هدف اصلی است، از این رو ممکن است سوره درباره مباحث و موضوعات مختلفی که هر یک به گونه ای با هدف اصلی مرتبط است سخن بگوید؛ اما آیات مربوط به آن موضوع در کنار هم مجتمع نبوده بلکه در تمام سوره پراکنده باشد. مثلاً سوره رعد که درباره حقانیت قرآن سخن می گوید سه موضوع فرعی را بررسی می نماید؛ یکی از آنها حقانیت پیامبر اکرم است. آیاتی که درباره این موضوع در سوره رعد قرار دارند در بخشهای مختلف سوره از آغاز تا انجام آن پراکنده شده اند. و حتی ممکن است صدر یک آیه درباره موضوعی و ذیل آن درباره موضوع دیگری باشد، اما در هر حال همه مطلب ذکر شده در آیات به نحوی با موضوعات فرعی مرتبط می باشند و آنها نیز به نوبه خود به غرض اصلی سوره وصل می شوند.

بنابراین برای ترسیم نمودار درختی هر سوره چند اقدام اساسی باید صورت گیرد.

۱. کشف غرض اصلی سوره

۲. تعیین موضوعات فرعی (عناصر غرض سوره)

۳. بیان پیامد اثبات موضوعات فرعی

۴. ترسیم نمودار درختی بر اساس روابط موجود بین سه مورد گذشته

۵. تشریح نحوه ارتباط آیات با عناصر سوره در بخش توضیحات

در روش نمودار درختی بیشتر به سیر مباحث و ارتباط آنها توجه می شود و نمودار درصد است که نشان دهد چگونه یک موضوع و لوازم آن در سراسر سوره پوشش داده شده است. دکتر حسن الميدانی در کتاب «قواعد التدبر الأمثل لكتاب الله عزوجل» از این روش در نمایش ساختار سوره رعد استفاده کرده است و از این رهگذر سبک جدیدی را به قرآن پژوهان معرفی نموده است.

سبک نمودار درختی نیز به نوبه خود محاسن و کاستی هایی دارد. بزرگ ترین حسن آن دستیابی آسان و سریع به مطالب مطرح شده در سوره است؛ به گونه ای که با یک نگاه اجمالی می توان چارچوب کلی و خط سیر محتوایی سوره را درک نموده و به راحتی آن را به دیگران انتقال داد. اما بر این روش انتقاداتی نیز وارد است:

* یک؛ آن که سوره را از نظم موجود آن خارج نموده و به حکمتی که در ورای توقیفی بودن نظم آیات است بی توجهی می شود و نوعی پراکندگی و بی نظمی را در سوره به رخ می کشد. در حالی که اقتضای توقیفی بودن نظم سوره آن است که مطالب سوره در یک سیر منطقی و منظم خواننده را به یک هدف و غرض مشخص رهنمون گردد. گرچه در این جزوه نیز اشاره کردیم که ممکن است دو آیه همجوار با یکدیگر مرتبط نبوده و تنها از طریق ارتباط با غرض اصلی سوره همجواری آنها توجیه پذیرد، اما پذیرش این نکته بدان معنی نیست که مطالب مرتبط به یک محور یا موضوع فرعی در یک آیه به پایان می رسد و با آیه بعدی موضوع جدیدی آغاز می شود و با فرض اینکه همه این موضوعات با غرض اصلی سوره مرتبط می باشند می توان آنها را در یک راستا ارزیابی نمود. اما اعتقاد به اینکه مطالب مرتبط با یک موضوع فرعی در بخشهای مختلف از سوره پراکنده باشند و حتی هر بخش از یک آیه به یک موضوع جداگانه مرتبط باشد به نظم و سیاق یک سوره لطمه جدی زده و با اصول اولیه بلاغت و حکمت در سخن ناسازگار است.

* دو؛ هدف اصلی از نمایش ساختار سوره ها درک روابط آیات با هدف اصلی سوره است. بسیاری از فوائد این نظریه نیز به همین نکته باز می گردد؛ از جمله مقابله با شبهه افکنی های خاورشناسان، ترجمه پیوسته قرآن، آشنایی با روش طرح معارف دینی در قرآن، فهرست بندی سوره ها و... اما در سبک نمودار درختی با حذف مضامین صریح آیات و قراردادن عناوین استنباط شده از مجموعه ای از آیات به جای آن، لطمه ای جدی به کارایی و توانمندی نمودار زده است. مثلاً در نموداری که دکتر میدانی درباره ساختار سوره رعد ترسیم کرده است پس از آن که «مرسل الیه» را یکی از موضوعات فرعی سوره دانسته، ذیل آن نگاشته است:

درباره «مرسل الیه» در سوره مطالب زیر ذکر شده است:

۱. منکران دعوت - به رغم وجود دلایل قاطع - از پذیرش دعوت حق سر باز می زنند. ۲. منکران به شریکان خود پناه می برند. ۳. بین منکران و مؤمنان و حق و باطل نزاع دائمی برقرار است. اما مشخص نشده است که هر یک از این مطالب در کدام آیه مطرح شده است.

* سه؛ انتقاد دیگری که متوجه این روش می باشد نداشتن توضیحات تفسیری است. شاید نمودار درختی به تنهایی برای نمایش ارتباط آیات کافی به نظر برسد، اما برای قانع ساختن مخاطبان درک عمیق مفاهیم قرآنی نارسا می باشد. از این رو باید با نکته پردازی های تفسیری ابهامهای موجود در

روابط آیات را روشن نمود و تا اندازه ای مشکلات تفسیری را نیز حل کرد، تا به تدریج این شیوه به روش تفسیری تبدیل شده و از حاشیه کتب تفسیری خارج شود. دکتر میدانی به منظور معرفی بیشتر روش نمودار درختی و آشنایی با روابط آیات در سوره مبارکه رعد، نموداری در این رابطه ترسیم نموده است. ۶۵

چهار. سبک استدلالی

یکی از روشهای نمایش ساختار سوره ها سبک استدلالی است. در سبک استدلالی به دلایل کشف غرض اصلی سوره توجه وافری شده است و علت گزینش یک غرض به عنوان غرض اصلی و موضوع محوری سوره به تفصیل بیان می شود.

در سایر سبکهای نمایش ساختار - به جز سبک تفصیلی - به فرآیند کشف غرض اصلی سوره توجه چندانی نمی شود و مفسران با مطالعه اجمالی سیاق کلی آیات و یا حداکثر با توجه به آیات آغازین و پایانی سوره به غرض کلی سوره می رسند، و آن گاه همت خود را در کشف روابط آیات با این غرض مصروف می دارند، در حالی که تشخیص درست غرض اصلی سوره نقش مهم و کلیدی را در یافتن ارتباط آیات و ترسیم نمودار نهایی ساختار سوره به عهده دارد و به عبارت دیگر سنگ بنا و شالوده اصلی همه فعالیتها بعدی است و اگر از آغاز بدون دقت کافی انتخاب شده باشد، خانه را از پای بست ویران می کند. و شاید یکی از دلایل اصلی اختلاف مفسران در تعیین غرض اصلی سوره نیز به همین کم توجهی به مبانی فرآیند کشف موضوع باز گردد.

نویسنده کتاب «نظم قرآن» که طی چهار جلد به بررسی اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم پرداخته برای نشان دادن چگونگی ارتباط آیات با غرض سوره از سبک استدلالی استفاده نموده است. وی در مقدمه کتاب به ابزارها و روشهای کشف غرض سوره اشاره نموده و اموری همچون ارتباط سوره های مجاور، تشابه سوره ها، فراوانی اسماء الحسنی، کلمات کلیدی، آغاز و انجام سوره، تقسیمات سوره، آهنگ انتهای آیات، حروف مقطعه را از شواهد و نشانه های اصلی دست یابی به موضوع اصلی سوره می داند. در بررسی سوره ها نیز به تناسب از این ابزار و روشها استفاده بهینه کرده است.

آنچه در سبک استدلال حائز اهمیت است، تلاش و دقتی است که مؤلف برای کشف غرض سوره مبذول می دارد و از همه ابزارهای ممکن برای رسیدن به این هدف سود می جوید. کلمات کلیدی سوره را شمرده و آن را با سوره های دیگر مقایسه می کند، سوره قبلی و بعدی را مطالعه نموده و از اهداف و مقاصد آنها برای کشف غرض سوره مورد نظر بهره می برد. به نوع اسماء الحسنی و تعداد آنها و فراوانی معنی دار یک اسم در سوره توجه می کند. ابتدا و انتهای سوره را با هم مقایسه کرده و اگر بتواند از آن برای تعیین غرض سوره یاری می جوید. حتی سیاق آیات و ارتباط آنها با یکدیگر را جدا از فضای کلی کار خود بررسی نمی کند؛ بلکه تلاش دارد تا از سیاق آیات و سیر کلی حرکت آنها نیز نشانه هایی بر موضوع اصلی سوره بیابد و به عبارت دیگر ارتباط آیات نیز در خدمت کشف غرض اصلی سوره است نه به عکس.

پس از آن که غرض سوره تبیین شد، گزارش اجمالی از مضامین و محتوای سوره همچنین ویژگیهای آن ارائه می شود و خواننده با امتیازات سوره آشنا شده به سبک گزارش محتوایی نزدیک

می گردد. اما پس از بیان هر نکته بازگشتی به موضوع اصلی سوره دارد تا اسلوب ویژه خود را حفظ کرده باشد.

مهم ترین نقطه قوت سبک استدلالی آن است که فرایند کشف موضوع سوره ها را ضابطه مند و سازوار کرده است و تا حد زیادی راه را بر اعمال سلیقه و برداشت سطحی از موضوعات اصلی سوره ها بسته است. افزون بر اینکه با ارائه گزارشی از محتوای سوره و تقسیم بندی مطالب آن، خواننده را با فضای کلی سوره آشنا نموده است.

اما از کاستی های آن می توان به آسان نبودن درک ارتباط آیات اشاره نمود. در این سبک خواننده برای آن که با غرض سوره و ارتباط آیات آشنا شود باید تمام توضیحات و مطالب نگاشته شده ذیل یک سوره را بخواند تا با دقت در این رابطه پی ببرد. پراکندگی دلائل تعیین غرض و نبود یک رویه ثابت در بررسی همه سوره ها نیز بر سردرگمی و حیرت خواننده می افزاید. بلی اگر سبک استدلالی با ترسیم نموداری از محتوای سوره پایان می یافت شاید در ردیف بهترین سبکهای موجود قرار می گرفت.

پنج. سبک گزارش اجمالی

علامه طباطبایی یکی از طرفداران ساختار سوره هاست و اصولاً حکمت سوره سوره شدن آیات قرآن را در وحدت غرضی می داند که بین چند آیه وجود دارد. وی برای نمایش دادن وحدت غرض در سوره ها از روش گزارش اجمالی استفاده می کند. بر پایه این روش در ابتدای هر سوره ذیل عنوان «بیان» غرض سوره را با دلائل مربوطه بیان می کند، آن گاه آیات را در دسته های مختلف از یکدیگر جدا می سازد. معیار علامه در دسته بندی آیات، هماهنگی آنها در یک موضوع فرعی است. وی مجموعه آیاتی را که حول یک محور می چرخند با یکدیگر ذکر کرده و در ابتدای آنها نیز عنوان «بیان» را گشوده و نحوه ارتباط آنها را با هم و با غرض اصلی سوره ذکر می کند. بدین ترتیب در ابتدای سوره گزارشی اجمالی از غرض سوره و در ابتدای هر دسته از آیات گزارشی اجمالی از غرض آن آیات و گاه چگونگی ارتباط آنها با غرض اصلی سوره را بیان می کند. پس از آن که گزارش اجمالی به پایان رسید، بخش تفسیر آیات آغاز می شود و با ذکر یک یک آیات، نکات تفسیری آنها را مطرح کرده و به طور کامل مفاهیم و مطالب مرتبط با آیه را بیان می دارد. گاهی نیز به کیفیت ارتباط آیه با آیات قبل و بعد اشاره می کند.

این سبک - که ما آن را سبک گزارش اجمالی نامیده ایم - نیز از نقاط قوت و ضعفی برخوردار است. هر چند علامه از این روش به عنوان مقدمه ای در تفسیر آیات سود جسته است. ولی از آنجا که غرض سوره ها در آن بررسی می شود، می توان از آن به عنوان سبکی در عرضه و نمایش ساختار سوره ها یاد کرد و به بررسی و نقادی آن پرداخت.

بارزترین نقطه قوت این روش، توضیحات تفسیری سوره است که خواننده را تا ژرفای معانی و مفاهیم هر آیه پیش می برد و از زوایای پنهان و رموز آیات پرده برمی دارد.

از سوی دیگر علامه در بسیاری از موارد موضوعات و اهداف استنباطی خود را با دلایلی روشن و مبرهن می سازد و از این جهت تا اندازه ای سبک استدلالی را در گزارشهای خود رعایت می کند.

همین امر موجب می گردد تا خواننده با اطمینان قلبی بیشتری با اغراض سوره ها ارتباط برقرار نماید.

اما این سبک با کاستیهایی نیز همراه است؛ از جمله اینکه خواننده را فقط با غرض سوره و نمای کلی مباحث آن آشنا می نماید و ارتباط تفصیلی آیات را به او نشان نمی دهد. از این رو تنها در صورتی می توان به روابط آیات دست یافت که کلیه مباحث تفسیری را مطالعه کنیم و با زحمت بسیار آنها را به هم مرتبط سازیم. بگذریم از مواردی که اصولاً کشف ارتباط آیات، آن گونه که مورد نظر علامه بوده ناممکن است. به همین دلیل در این سبک امکان آن که با یک نگاه، یا حتی با یک بررسی اجمالی، به روابط آیات دست یابیم وجود ندارد.

نکته دیگر آن که گرچه علامه در آغاز سوره ها زیر عنوان «بیان» غرض سوره را بررسی و کشف نموده است، اما در آغاز مجموعه آیات بعدی تنها به مضامینی کلی و محتوای آن دسته از آیات توجه نموده است و جز در موارد اندکی ارتباط آنها را با غرض اصلی سوره بیان نکرده است. در این موارد نیز کشف ارتباط غرض یک مجموعه از آیات با غرض اصلی نیز نیازمند دقت و تأمل بسیار است.

شش. سبک تفصیلی

سبکها و اسلوبهایی که تاکنون برای نمایش ساختار سوره ها معرفی کردیم هر یک دارای مزایا و کاستی هایی بود. امتیازات و ویژگیهای هر سبکی آن را برای شرایط و موقعیت خاصی مفید و کارآمد نمود. اما اگر بخواهیم به همه فوائد و نتایج مثبت ترسیم ساختار سوره ها دست یابیم به ناچار باید از سبک و اسلوبی پیروی کنیم که بیشترین مزایا و کمترین نقص را داراست؛ چنین سبکی باید دارای ویژگیهای زیر باشد:

۱. غرض اصلی سوره را با استناد به روشهای علمی استخراج و اثبات نماید.
۲. ارتباط آیات و روابط آنها با یکدیگر و با غرض سوره را در نموداری گویا و روشن ترسیم نماید؛ به گونه ای که در کمترین فرصت بتوان به ساختار کلی سوره دست یافت و مقاصد اصلی آن را درک کرد.
۳. چگونگی ارتباط آیات را با دلایل قانع کننده اثبات و از اعمال سلیقه و به کاربردن حدس و گمان در روابط آیات پرهیز نماید.
۴. نکات مهم و آیات مشکل را با ذکر نکات تفسیری و توضیحات ضروری تبیین کرده و امکان فهم و درک مفاهیم و مقاصد سوره را برای خواننده فراهم آورد.
۵. از نظم و سیاق واحدی برخوردار بوده از پریدن از شاخه ای به شاخه دیگر پرهیز نماید و سیر خاصی برای بررسی همه سوره ها برگزیند.
۶. از فزون گویی ملال آور و گزیده سازی ابهام آفرین پرهیزد و از توضیح واضحات و غفلت از مهمات دوری گزیند، نه طالب معارف قرآن را به وادی مباحث لغوی و صرفی و نکات ضروری تفسیری بکشاند و نه او را از بیان نکات عمیق و لطیف قرآنی محروم گرداند.
۸. فصل بندی و ارتباط آنها با یکدیگر و با غرض اصلی آن چنان واضح و روشن باشد که بتوان از آنها در آموزش و طرح معارف قرآنی بهره جست.

به منظور طراحی چنین اسلوبی پس از بررسی سبکهای رایج، سبک تفصیلی طراحی و ابداع شده است. در این سبک ابتدا به معرفی سوره و بیان ویژگیهای آن از جمله، مکی یا مدنی بودن، فضای نزول و فضائل و خواص سوره پرداخته، سپس غرض سوره را با استناد به روشها و ابزارهای ذکر شده در فصل سوم کشف می نماییم. و سعی می کنیم تا در تمام مراحل بدان وفادار بمانیم.

از آنجا که فرایند کشف غرض سوره از حساسیت ویژه ای برخوردار است سعی شده که با توجه به همه نشانه ها و شواهد موجود در یک سوره - از ابتدا تا انتهای آن - غرضی را که بیشترین تناسب را با سیاق سوره و ویژگی های ممتاز آن دارد برگزینیم و سپس آن را در یک جمله کوتاه ارائه نماییم.

پس از آن که غرض اصلی سوره با دقت تمام تعیین شد، گزارشی از محتوای سوره را بر اساس فصل بندی های مشخص و مرتبط آغاز می نماییم و فصلها بر اساس جداسازی مجموعه آیاتی که همگی یک موضوع و مقصد کاملاً مشخص را دنبال می نمایند انتخاب شده است و مجموعه فصلها در یک ترتیب منطقی غرض سوره را پوشش داده و ابعاد مختلف آن را محقق می کنند. در آغاز هر فصل، عنوان کلی و آیات مرتبط با آن ذکر شده است و ذیل آن به روند و سیر حرکت سوره در آن موضوع اشاره و روابط آیات با یکدیگر و با عنوان فصل تبیین شده است. این امر موجب می شود تا خواننده گام به گام با سوره حرکت نماید و با اهداف و مقاصد آن ارتباط برقرار کند و تا حدودی با دلایل و مستندات ارتباط آشنا شود.

آن گاه مطالب ذکر شده در گزارش محتوایی به همراه ترجمه تفسیری آیات در یک نمودار محتوایی گنجانده می شوند تا ساختار سوره در یک نمایردازی کامل مشخص گردد. در نمودار محتوایی سوره نه تنها غرض سوره و عناوین فصلها ذکر می گردد، بلکه به طور کامل عناوین فرعی و جزئی سوره نیز مشخص می شود و ذیل هر عنوان ترجمه آیات مربوطه با اندکی توضیح و تفسیر آورده می شود و در کنار هر آیه شماره آن و در صورت لزوم متن عربی آیه نیز ذکر می گردد. و به عبارتی نمودار محتوایی بازنویسی دوباره سوره بر اساس روابط آیات و تفسیر اجمالی آن می باشد. از این رو در صورتی که این سبک تمام سوره های قرآن را در بر گیرد در انتها تفسیری مختصر و گویا برای نسل جوان فراهم می آید.

از آنجا که نمودار محتوایی بر اساس اصل اختصار و اجمال تنظیم شده است در مواردی که نیاز به توضیح بیشتر احساس می شود با قراردادن علامتی آن را به بخش توضیحات تفسیری ارجاع داده می شود و نکات تفسیری مربوط به آن از تفاسیر معتبر به ویژه المیزان آورده می شود.

در بخش توضیحات تفسیری، هر نکته ضروری که به درک مفاهیم آیات و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر کمک می رساند ذکر شده است؛ اما همه نکات به گونه ای انتخاب شده اند که به اصل اختصار و چکیده گویی لطمه ای نزنند.

به عنوان حُسن ختام این جزوه، اهداف و مقاصد سوره مبارکه قلم را بر اساس «سبک تفصیلی» استخراج و تقدیم می نماییم. از آنجا که هدف اصلی این سوره «ناکامی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص)» است آن را به فال نیک می گیریم. به امید آن که با اجرای این سبک در تمام قرآن، بسیاری از شبهه افکنی ها و غرض ورزی های بداندیشان و بهانه جویان پاسخ داده شود و تلاشهای بدخواهانه آنان نقش بر آب گردد.

معرفی سوره قلم

سوره قلم که شصت و هشتمین سوره در ترتیب مصحف است از سوره هایی است که در سالهای نخستین دعوت پیامبر در مکه نازل شده است. گرچه برخی از مفسران با استناد به روایات ترتیب مصاحف خواسته اند آن را دومین سوره پس از علق بدانند، اما این ادعا با سیاق آیات و شواهد موجود در سوره سازگار نیست؛ از جمله آن که در آیه ۱۵ از قول مشرکان نقل می کند که آنها آیات قرآن را داستانهای پیشینیان (اساطیرالاولین) می نامیده اند و طبیعی است که این سخن زمانی مصداق می یابد که دست کم در سخنان قبلی پیامبر یکی از سرگذشتهای و نقلهای تاریخی امتهای گذشته نقل شده باشد.

سوره قلم در شرایطی نازل شد که پیامبر دعوت خود را علنی کرده بود و همگان از محتوای رسالت وی آگاه شده بودند. از این رو مشرکان همه تلاش خود را برای سرکوب کردن دعوت و به سازش کشاندن پیامبر(ص) به کار گرفته بودند از جمله انبوهی از تهمت‌ها و شایعات را علیه وی سامان دادند که از بارزترین آنها تهمت جنون و تأثیرپذیری پیامبر از جنیان بود. خداوند پیامبر را در این سوره به صبر دعوت کرده روش مقابله با اقدامات کینه توزانه برخاسته از حقد و کینه را به پیامبر می آموزد.

غرض سوره

این سوره رسول خدا را به دنبال تهمت‌های ناروایی که مشرکان به وی زده بودند و او را دیوانه خوانده بودند تسلیت داده و ضمن دعوت او به صبر، برناکامی و شکست مشرکان در دنیا و خواری و ذلت آنها در آخرت تأکید می کند. و در یک جمله «بیان ناکامی تهمت زندگان به پیامبر» محور اصلی و مرکز ثقل سوره مبارکه قلم است. که از این طریق پیروزی نهایی حق بر باطل نشان داده شود.

تفسیر سوره قلم

سوره مبارکه «قلم» به منظور نشان دادن ناکامی و سرافکنندگی دشمنان پیامبر مطالب خود را در چند فصل بیان می کند، و در هر فصل با گشودن بابی جدید چهره تازه ای از فلاکت و گمراهی مشرکان را به تصویر کشیده به این وسیله پیامبر و مؤمنان را تسلیت و دلداری می دهد.

* فصل اول: دلایل نفی جنون از پیامبر(آیات ۱ تا ۹)

آیات نخستین سوره به بررسی اتهام جنون و اثبات بی پایگی آن اختصاص دارد. ابتدا با سوگند به قلمهایی که حقایق را می نویسند بر مبراً بودن پیامبر از هر گونه عیب و نقصی تأکید می کند، و سپس چهار دلیل قاطع بر ردّ این اتهام ناجوانمردانه اقامه می کند.

دلیل اول و دوم: مقام نبوت و اخلاق حسنه پیامبر است که اساساً با خصلتها و ویژگیهای یک فرد مجنون ناسازگارند.

دلیل سوم: گواهی تاریخ است، بزودی آیندگان قضاوت خواهند کرد که رفتار چه کسانی شبیه به دیوانگان است، مشرکان شکست خورده؛ یا پیامبری که با اعتماد به نصرت الهی راه حق و عدالت را در پیش گرفته است.

چهارمین دلیل: ناشایستگی کفار برای تشخیص جنون و گمراهی است، زیرا اصولاً کسی می تواند گمراه را از هدایت شده تشخیص دهد که راه هدایت را شناخته و با همه ابعاد آن آشنا باشد. اما کسی که خود در گرداب گمراهی غوطه ور است چگونه می تواند حق را از باطل تشخیص داده و دیگران را متهم به گمراهی نماید. بلکه تشخیص گمراه از هدایت شده کار خداوند است که بیش از هر کس دیگر به روحيات و خصلتهای انسان آگاه است و خود معیار حق و باطل است.

پس از اقامه دلایل چهارگانه مزبور و نفی اتهام جنون، آیات ۸ و ۹ که به مثابه نتیجه گیری از مطالب این فصل است، پیامبر را به روی گرداندن از تکذیب کنندگان فرا خوانده و به وی و سایر مسلمانان گوشزد می کند که هدف اصلی آنان از این گونه حرکات مذبوحانه تنها به سازش کشاندن پیامبر و منحرف کردن وی از مسیر دعوت است، و گرنه آنان با آشنایی که با پیامبر دارند بیشتر از هر کس دیگر می دانند که ایشان نه تنها مجنون نیست بلکه از بالاترین درجه کمال عقلی برخوردار است.

* فصل دوم: ویژگیهای اخلاقی و شخصیتی تهمت زندگان (آیات ۱۰ تا ۱۵)

در فصل بعدی سوره خصلتهای ناپسند و رفتارهای زشت مخالفان پیامبر به تصویر کشیده می شود تا همگان با چهره واقعی و مخدوش آنان آشنا شوند و این فصل که با عبارت (ولاتع کلّ حلاف مهین) آغاز می گردد به مثابه بیان حکمت و دلیل حکمی است که خداوند در آیه ۸ به پیامبر نموده است و وی را از پیروی مشرکان نهی و به اعراض از آنها دعوت کرده است. این آیات می رسانند که اصولاً افرادی که دارای چنین خصلتهای زشتی هستند نباید مورد توجه و تبعیت واقع شوند، که موافقت و مخالفت آنها هیچ لطمه ای به اصالت و حقانیت نهضت دینی نمی زند.

در این فصل مخالفان و تهمت زندگان پیامبر با خصلتهایی مانند: بسیار قسم خورنده، حقیر و پست، عیب جو، سخن چین، مانع کار خیر، تجاوزگر، کینه توز و بی اصل و نسب، خوانده می شوند و اوج حقارت آنها به نمایش گذارده می شود.

* فصل سوم: عاقبت شوم تهمت زندگان (آیات ۱۶ تا ۳۴)

غرور و خود برتر بینی کافران مانع از آن می شود که به نتایج سوء کارهای نادرست خویش بیندیشند، بلکه سرمست از باده قدرت، خود را پیروز و برتر می دیدند. اما خداوند در آیات (۱۶ تا ۳۴) این سوره با استفاده از تمثیلی رسا و داستانی گویا ناکامی دنیوی و عذاب اخروی آنها را بیان و برپندار نادرست آنها خط بطلان می کشد.

در آیه ۱۶ با عبارتی تحقیرآمیز می فرماید: «ما بر خرطوم آنها علامت می زنیم». این تعبیر در فرهنگ عرب تحکم آمیزترین عبارتی است که بر ذلت و ناکامی یک شخص دلالت می کند. آن گاه برای نشان دادن چگونگی به ذلت کشاندن آنها از اوج قدرت و مکنت، به داستان باغ داران ثروتمندانی اشاره می کند که قصد داشتند میوه باغ را از مستمندان دریغ نمایند؛ در لحظه ای که همه چیز وفق مرادشان بود و خود را پیروز مطلق و بی منازع می دانستند به یکباره همه چیز فرو ریخت و وقتی صبح هنگام با باغ سوخته روبرو شدند تازه فهمیدند که چه اندازه ضعیف و ناتوانند و تا چه حد در اشتباه بوده اند، و فهمیدند که تا آن لحظه خداوند چگونه با آنها مدارا کرده و این مدارا زمینه گستاخی آنان را فراهم آورده است. و خداوند از سنت املاء و استدرج درباره آنان استفاده کرده است. از این رو همگی پشیمان شده و به نکوهش خویش پرداختند.

علامه طباطبایی وجه تشابه بین تهمت زندگان و «اصحاب الجنة» را در چند نکته می داند: هر دو گروه به جمع مال دنیوی و اعتماد به آن پرداختند و بر اسباب ظاهری تکیه کردند؛ بدون آن که خداوند را بر این همه نعمت شکرگزار باشند. نیز هر دو گروه به ناگاه خود را ناکام و شکست خورده یافتند و عذاب دنیا و آخرت را چشیدند.

آیات ۲۹ تا ۳۱ که نتیجه گیری از یک رخداد واقعی است نیز تعبیر ما را تأیید می کند؛ زیرا افرادی که در ابتدا به خود مغرور بودند در انتها خود را ظالم و طاغی نامیده و به اشتباه خود اعتراف کردند. چکیده داستان اصحاب «الجنة» چنین است:

مرد صالح و با سخاوتی در یمن، باغی بزرگ و پرمیوه داشت. پس از مرگ او فرزندان ناخلفش تصمیم گرفتند که صبحگاه میوه اش را بچینند تا فقیران آگاه نشوند و هیچ میوه ای را هم استشنا نکردند. بدین سان همان شب هنوز به خواب بودند که از جانب خدا عذابی نازل شد و بامدادان نخلهای آن بستان چون خاکستری سیاه گردید. صبحگاه یکدیگر را صدا کردند که برخیزید اگر می خواهید میوه بستان را بچینید به آنجا برویم. آنها سوی بستان روان شده آهسته می گفتند که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود، و صبحدم با شوق و عزم به باغ رفتند. چون باغ را به آن حال دیدند (از فرط غم) با خود گفتند: «باغ ما نه این است» ما به یقین راه را گم کرده ایم، یا بلکه باغ همان است و ما به قهر خدا از میوه اش محروم شده ایم. یکی از آنها از دیگران عادل تر بود به آنها گفت: آیا من به شما نگفتم چرا شکر نعمت و تسبیح و ستایش خدا را به جا نیاورید؟ آنان همه گفتند: خدای ما از ظلم منزه است؛ آری ما خود در حق خویش ستم کردیم. پس رو به یکدیگر نموده و به ملامت و نکوهش هم پرداختند و با توبه و انابه گفتند: ای وای بر ما که سخت سرکش و گمراه بودیم. اینک به درگاه خدا توبه کرده و امیدواریم که پروردگار ما به جای آن، بستان بهتری از لطف به ما عطا کند که از این پس ما همیشه به خدای خود معتقد و مشتاقیم. این گونه است عذاب دنیا، و البته عذاب آخرت بسیار سخت تر است؛ اگر مردم بدانند.

پس از آن که عذاب دنیوی و اخروی مشرکان را به تفصیل ذکر نموده با اشاره به وضعیت متقین به مقایسه بین وضعیت کافران و مؤمنان پرداخته تا تابلوی دیگر از ناکامی و خسران مشرکان را در برابر آنان به نمایش بگذارد.

حتمیت عذاب مشرکان (نابرابری مؤمن و غیرمؤمن در قیامت)

از آنجا که ممکن است برخی از مشرکان پس از ذکر عذاب دنیوی و اخروی آنها شروع به بهانه جویی و تشکیک نمایند و ادعا کنند که وضعیت آنان در آخرت هیچ گونه تفاوتی با مؤمنان نداشته و بلکه بهتر از آنان است، قرآن کریم به تفصیل در آیات ۳۴ تا ۴۷ این سوره مبانی اعتقادی و بنیانهای فکری مشرکان را مورد هجوم قرار داده و با دلایل عقلی و نقلی سستی پندارهای باطل آنها را نشان داده است و بر حتمیت عذاب آنان و تفاوتشان با مؤمنان تأکید می کند.

در این آیات، با عباراتی کوتاه و پرمغز از زوایای گوناگون به بررسی این اندیشه باطل پرداخته و انگیزه های فکری، روانی و اجتماعی گرایش بدان را نقد می کند.

ابتدا به حکم بدیهی عقل اشاره کرده و هر گونه اعتقاد به برابری مجرم و غیرمجرم (مسلمان) را خلاف عقل سلیم می داند و با انتخاب صفت مجرم به جای کافر به مناط و معیار صدور حکم عقلی نیز اشاره می فرماید و می گوید آنها نه تنها به امر باطلی اعتقاد دارند، بلکه با تکیه بر همین عقاید

نادرست جنایات و فسادهای زیادی مرتکب شده اند. همین جا است که عقل به صراحت آنها را محکوم کرده و بر ضرورت مجازات آنان تأکید می کند.

سپس با طرح این سؤال که «آیا شما کتاب یا مدرک معتبری دارید که عقاید شما را تأیید نماید، به نبود دلایل نقلی معتبر نزد آنان اشاره می نماید. آن گاه از آنان می پرسد که حال که شما دلیل عقلی یا نقلی پذیرفتنی برای دفع عذاب از خود ندارید آیا تعهد یا پیمانی از خداوند گرفته اید که از عموم حکم عذاب مستثنی شوید؟! (أم لکم ایمان علینا بالغهٔ الی یوم القیامه) یا اگر خداوند تعهدی نکرده آیا کسی از شما قدرت جلوگیری از عذاب حتمی را دارد؟ (سلهم ایهم بذلک زعیم) اگر هیچ یک از آنان قدرت دفع عذاب را ندارند آیا به قدرت خدایان و بتهایی که آنها را شریک خدا قرار داده اند مغرور شده اند و فکر می کنند آنها می توانند مانع عذاب حتمی اخروی شوند؟ اگر چنین شرکایی وجود دارد آنها را معرفی نمایند. (أم لهم شرکاء فلیأتوا بشرکائهم إن کانوا صادقین) آن گاه برای آن که خیال آنها را از بابت معبودان خیالی و بتهای پوشالی راحت کند صحنه ای از عذاب دردناک و ذلت ابدی آنها را به تصویر می کشد و به آنان یادآور می شود که در آن لحظات حساس و نفس گیر تنها چیزی که به درد شما خواهد خورد خضوع و بندگی در برابر خداست و از آنجا که شما در دنیا به جای خدا به بتان تکیه کردید و بندگی آنها را نمودید. در آن هنگام هیچ کس به کمک شما نخواهد آمد و ناتوانی و ضعف خدایان تان بر شما معلوم می گردد.

سپس برای آن که قدرت تامه الهی و مشیت نافذه وی را در اداره جهان هستی نشان دهد و بار دیگر ضعف و ناتوانی مشرکان و معبودان خیالی شان را به رخ بکشد، از آنان روی برگردانده و خطاب به پیامبرش می فرماید:

«به آنان بگو که تصور نکنند که من آنها را به حال خود رها کرده و از آنان غفلت نموده ام تا هر کاری که می خواهند انجام دهند، بلکه این مهلت دادن ها و صبرکردن ها نیز بخشی از عذاب آنهاست که بنابر سنت استدراج و املاء بر آنها واقع می شود. و بدین ترتیب با دادن فرصت برای گناه بیشتر، گام به گام آنها را به سوی هلاکت می کشانم؛ بدون آن که بفهمند چگونه و از کجا عذاب الهی بر آنها فرود آمده است.»

پس از آن که در آیات ۴۱ تا ۴۵ به طور کامل ناتوانی معبودان خیالی مشرکان را ثابت کرد، در آیه ۴۶ و ۴۷ دوباره به طرح سایر دلایلی که اندیشه برابری مؤمن و غیرمؤمن را در جهان آخرت، ابطال می کند می پردازد و با تحلیلی روانی علت اساسی سنگ اندازی ها و کینه توزی های آنان را با پیامبر بیان کرده و می فرماید: همه این حرفها برای فرار از ایمان و پذیرش مسؤولیت بندگی خداست و جز این نیست که آن را بر خود سنگین می بینید، اما این تصور شما نیز باطل است؛ مگر کسی بابت ایمان آوردن از شما مبلغی یا چیزی درخواست کرده است که این چنین از آن سرباز می زنید؟ (أم تسئلهم أجراً فهم من مغرم مثقلون).

در پایان از آنها می پرسد که آیا به راستی شما از غیب - جایی که چند و چون هر امری در آنجا تعیین می گردد - آگاه هستید و قدرت تغییر سنتها و قوانین الهی را دارید تا بتوانید سنت عذاب را تغییر داده و وضعیت خود را بهبود ببخشید؟! اکنون که خود بهتر از هر کسی می دانید که چنین قدرتی ندارید پس بهتر است یا به خدای بزرگ ایمان بیاورید و یا خود را برای عذاب دردناک آماده

سازید. با طرح این سؤال، فصل دیگری از سوره به پایان می رسد و با تغییر لحن کلام به بیان وظایف پیامبر در برابر آنان می پردازد.

* فصل چهارم: وظیفه پیامبر در برابر مشرکان و تهمتهای آنان (آیات ۴۸ - ۵۰)

سوره مبارکه «قلم» که در اوج فشارهای جسمی و روانی مشرکان بر پیامبر(ص) نازل شده است، در آیات پایانی خود پس از بیان ناکامی مشرکان و عذاب دنیوی و اخروی آنان، رو به پیامبر گردانیده و وظیفه پیامبر را در برابر آنها یادآوری می نماید. سوره مبارکه «قلم» دو وظیفه اصلی را برای پیامبر(ص) بر می شمارد؛ اول: پیروی نکردن از آیین مشرکان و تسلیم نشدن در برابر خواسته های نامشروع آنان. دوم: صبر کردن در درخواست عذاب برای آنان و شتاب نکردن در نفرین آنان.

به عبارت دیگر خداوند در سوره «قلم» برنامه و راهکار رویارویی پیامبر را در برابر مشرکان تبیین می نماید و از وی می خواهد با تسلیم نشدن و مقاومت ورزیدن زمینه را برای شکست تدریجی مشرکان آماده سازد و با صبر و حوصله مراحل دعوت را گام به گام به پیش ببرد و همان گونه که خداوند از سنت استدراج و املاء برای عذاب آنها استفاده می کند پیامبر نیز با شتاب نکردن در نفرین و عذاب آنها خود را با این سنت الهی هماهنگ سازد.

آن گاه خداوند برای آن که نمونه ای از شتاب ورزی پیامبران در تقاضای عذاب را به پیامبر اسلام نشان دهد و بی فایده بودن عذاب پیش از موعد مقرر را به رسول گرامی خویش گوشزد نماید به سرگذشت حضرت یونس اشاره نموده و عاقبت بی صبری او را بیان می کند. خداوند در این آیات خطاب به پیامبر می فرماید:

«مانند یونس نباش؛ زیرا آنچه موجب شد تا یونس در تقاضای عذاب برای قومش شتاب کند غم و اندوه فرو خورده ای بود که سینه اش را تنگ کرده بود (و هو مکظوم) اما تو این مصیبتها و اندوه ها را در دل تحمل کن، و اگر خداوند یونس را در نمی یافت و توبه او را نمی پذیرفت تا ابد در صحرای بی آب و علف رها می شد و به خاطر آنچه کرده بود مذمت می شد».

* نتیجه گیری: تهمت جنون؛ اوج درماندگی مشرکان (آیات ۵۱ - ۵۲)

دو آیه پایانی این سوره به مثابه نتیجه گیری از محتوای سوره و جمع بندی مضامین آن است. در این آیات می بینیم که پس از آن که سوره به دامنه خود نزدیک می شد و اندک اندک فرود می آمد به یکباره لحن کلام اوج گرفته و دوباره به قله سخن باز می گردد و در همان جا به پایان می رسد.

فرجام سوره مبارک «قلم» چونان آغاز آن، مشتمل بر آیاتی است که اوج درماندگی و واماندگی مشرکان را ترسیم می کند و اعلام می نماید که مشرکان هنگامی که آهنگ تلاوت قرآن را از تو می شنوند با نگاهی پر از کینه و عداوت به تو می نگرند، گویی می خواهند با نگاهشان تو را بکشند و چون از رویارویی با تو احساس درماندگی می کنند به تو تهمت جنون می زنند.

خداوند با این عبارات به مسلمانان نشان می دهد که خاستگاه اصلی شایعه پراکنی و ناسزاگویی مشرکان، نه استدلال عقلی یا شبهه علمی، بلکه اندوه و کینه ای است که از رشد روزافزون اسلام بر جان و دل آنها چنگ زده است. بدین گونه همه توطئه ها و حيله های آنها را نقش بر آب می نماید.

در پایان به الهی بودن و معجزه بودن قرآن اشاره کرده و آن را مشتمل بر پندهای حکمت آمیز برای جهانیان می شناساند و به زبان دیگر مصلحت مشرکان را نیز در ایمان آوردن به خدا و کتابش می داند.

۱. حجازی، محمد محمد، الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم، مصر، دارالکتب الحدیثه، ۱۹۷۰م، ۱۴ (به نقل از فرید وجدی).
۲. دراز، محمد عبدالله، المدخل الی القرآن الکریم، کویت، دارالقلم، ۱۹۷۱م، ۱۲۱.
۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲ / ۳۴۲.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱ / ۱۴.
۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، نشر التمهید، ۴۰۷.
۶. مدنی، محمد، المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء، مصر، ۱۹۹۱م، ۵.
۷. شحاته، عبدالله محمود، اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، ۲۷.
۸. قطب، سید، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۹۵.
۹. همو؛ فی ظلال القرآن، ترجمه، ۱ / ۵۳.
۱۰. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴، ۱۴۴.
۱۱. آریبری؛ سهلانی، محمدجواد، کاربرد روش سیستم ها... به ضمیمه تفسیر قرآن، ۴۸.
۱۲. رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه دکتر محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۲۱۶.
۱۳. گلدزیهر، درسهایی درباره اسلام، ۶۶ - ۶۹.
۱۴. شحاته، عبدالله محمود، اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، ۲۸.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۸ / ۱ و ۹.
۱۶. واحدی، اسباب النزول، ۴.
۱۷. امام خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۵۴۷.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱ / ۱۷.
۱۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۳۷۷.
۲۰. سیوطی، جلال الدین، ترجمه الاتقان، ۲ / ۳۴۲ - ۳۴۱.
۲۱. زرکشی نیز می نویسد: «معرفة المناسبات بین الآيات مبني على أن ترتيب السور توقيفي، و هو الراجح»، البرهان فی علوم القرآن، ۱ / ۱۳۳.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱ / ۱۷.
۲۳. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ۴۰۶.
۲۴. سوره های نمل / ۱، نساء / ۱۷۴، جاثیه / ۲۰، یوسف / ۳، آل عمران / ۱۳۸.
۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۳ / ۷۶.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۶ / ۹۴.

۲۸. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالهادی، ۱۹/۱
۲۹. نصیریان، یدالله، علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۸ش، ۷.
۳۰. فرید وجدی، محمد، المصحف المیسر، ۶۹ و ۷۰، با تلخیص.
۳۱. شحاته، عبدالله محمود، اهداف و مقاصد سوره ها، ۲۸/۴
۳۲. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، ۱۴۴.
۳۳. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۳، ۱۰۶/۱
۳۴. سیوطی، الاتقان (ترجمه)، ۳۴۲/۲
۳۵. گرامی، محمدعلی، درباره شناخت قرآن، قم، شفق، ۲۴ و ۲۵.
۳۶. سیوطی، الاتقان (ترجمه)، ۳۴۲/۲
۳۷. شوکانی، فتح القدیر، ۷۲/۱.
۳۸. الخطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالکتب العربی، مصر، ۱۳۷۰، ۱۵/۱۳۲۰
۳۹. طائی، کمال الدین، موجز التبیان فی مباحث القرآن، ۱۵۷.
۴۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۳۴۵/۲
۴۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، ۷۲/۱
۴۲. مقدمه تفسیر المصحف المفسر، ۶۹.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ۳۰۸.
۴۴. همامی، دکتر عباس، چهره زیبای قرآن، اصفهان، بصائر، ۱۳۷۷، ۳۹ و ۴۰.
۴۵. بقاعی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، ۱۸/۱
۴۶. فضل حسن، عباس، قضايا قرآنیة، ۳۹.
۴۷. زرکشی، البرهان، ۲۷۰/۱
۴۸. بقاعی، نظم الدرر، ۱۹/۱
۴۹. طباطبایی، المیزان، ۹۸/۱۴
۵۰. همان، ذیل سوره توبه.
۵۱. همان، ذیل سوره عنکبوت.
۵۲. سیوطی، الاتقان، ۴۱۲/۲، نوع ۸۰.

۵۳. بسیاری از روایات شأن نزول ضعیف و مجعول هستند. این مطلب مورد اذعان دانشمندان عامه و خاصه می باشد. انگیزه های فرقه ای و سیاسی بسیاری موجب شده تا در سده اول اسلام روایاتی به عنوان شأن نزول جعل شود. همین امر موجب صدور روایات متناقض به عنوان شأن نزول ذیل یک آیه شده است. علامه طباطبایی معتقد است بسیاری از راویان روایات اسباب النزول در محل، حضور نداشته اند، بلکه قصه ای شنیده اند و آن را به آیه ای ارتباط داده اند و سپس همان به عنوان شأن نزول معروف شده است. شیوع نقل به معنی، راه یابی اسرائیلیات در روایات، تعدد منافقان در جعل شأن نزول موجب شده است که حتی در اعتبار روایات صحیح السند نیز خدشه وارد نماید، زیرا در آنها نیز احتمال اعمال نظر و دست کاری وجود دارد. علامه تنها روایاتی را می پذیرد که متواتر یا قطعی الصدور باشد و با قرآن مخالفتی نداشته باشد. به این ترتیب گرچه مقدار زیادی از اسباب نزول سقوط می کند ولی آنچه باقی می ماند کسب اعتبار می کند (قرآن در اسلام، ۱۷۶ - ۱۷۳).

۵۴. ظاهراً ابن تیمیه همان کسی است که کتابی به نام «مقدمه فی اصول التفسیر» را به وی نسبت می دهند و نام او فخرالدین محمد بن خضر بن محمد خضر بن علی ابن تیمیه حرّانی حنبلی (۵۴۲ - ۶۲۲هـ) می باشد و با ابن تیمیه معروف (۶۶۱ - ۷۲۸هـ) که داعیه اصلاح دین را در سر داشت و کتاب «منهاج السنه» را نگاشته متفاوت است.
۵۵. حجتی، محمدباقر، اسباب النزول، ۸۳.
۵۶. همان، ۸۷.
۵۷. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، ۹/۱.
۵۸. کلمه شریفه «الله» ۲۶۹۸ بار و «رب» ۱۵۲ بار تنها و ۸۱۷ بار به صورت مضاف به کار رفته است.
۵۹. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، ۳۳۸/۱.
۶۰. همان، ۳۴۴/۱.
۶۱. مرحوم طبرسی در مجمع البیان، ۱۸ قول درباره حروف مقطعه ذکر کرده است.
۶۲. طباطبایی، المیزان، ۱۱/۱۸.
۶۳. بقاعی، نظم الدرر، ۱۴/۱.
۶۴. شحاته، عبدالله محمود، اهداف و مقاصد سوره ها، ۹۲.
۶۵. میدانی، عبدالرحمن حسن بن حبنکه، قواعد التدبّر الأمثل لکتاب الله عزوجل، ۳۱-۳۹.

